

مجموعه قوانین خاص حقوقی و کیفری

ویژه داوطلبان آزمونهای ورودی

کارشناسی ارشد ، دکتری ، وکالت ،
قضاوت ، سردفتری

تدوین | الهه جمشیدی
| ماریا خواجه



مجموعه قوانین خاص حقوقی و کیفری - الهه جمشیدی - ماریا خواجه

چاپ یازدهم: بهار ۱۴۰۳
صفحه آرا: مریم رضایی
طراح جلد: مریم مظفری

آدرس : شیراز - پارامونت، ابتدای خ قصردشت، موسسه آموزش عالی فاضل
تلفن : ۰۷۱۳۲۳۰۴۰۱۴ / ۰۷۱۳۲۳۴۳۲۳۴

دانشجوی گرامی

حضور در کلاس‌های موسسه فاضل به دلیل حل مسائل متنوع، ارتباط زنده و دو طرفه بین دانشجو و استاد، قرار گرفتن در جو کنکور، ایجاد انگیزه رقابت، رفع اشکالات دانشجو و آزمون‌های کلاسی که ضمن آن از میزان آمادگی خود مطلع می‌شوید انتخابی است که نمی‌توان آنرا با مطالعه یک یا چند کتاب مقایسه کرد.

شرکت در کنکورهای هم‌هنگ کشوری موسسه فاضل به شما این امکان را می‌دهد که جایگاه واقعی خود را در رتبه بندی کشوری ببینید چرا که علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد.

مزایای استفاده از این کتاب:

- جمع آوری نص مهم ترین قوانین خاص حقوقی و کیفری در یک کتاب
- تشریح و علامت گذاری مهمترین مواد قوانین به صورت دقیق همراه با آخرین اصلاحات
- طبقه بندی تستهای آزمون های سنوات گذشته در ذیل هر قانون به همراه پاسخ تشریحی

پیش گفتار

کتاب حاضر تحت عنوان قوانین خاص در دو بخش حقوقی و کیفری تالیف گردیده است. در بخش حقوقی، قوانین خاص در زمینه حقوق مدنی، حقوق تجارت و آیین دادرسی مدنی و در بخش کیفری قوانین خاص مربوط به حقوق جزا و آیین دادرسی کیفری گردآوری شده و نکات و تست های مربوط به هر ماده در ذیل آن نگاشته شده؛ تا استفاده کنندگان از مراجعه به سایر منابع بی نیاز گردند؛ درجه بندی مواد به لحاظ اهمیت به صورت جدول زیر است:

درجه اهمیت مواد	نحوه تایپ
بسیار زیاد	پیررنگ+زیر خط دار+کج (ایتالیک)
زیاد	پیررنگ
متوسط	زیر خط دار
عادی	عادی

در واقع مهمترین موادی که در دوره های گذشته از آنها سوال طرح شده بصورت **پیررنگ و زیر خط دار و ایتالیک** مشخص شده است همچنین مواد مهم (که تاکنون از آنها سوال طرح نشده اما احتمال طرح سوال از آنها زیاد است) به صورت **پیررنگ** و مواد با اهمیت کم تر بصورت **زیر خط دار** و مواد با اهمیت بسیار کمتر بصورت عادی تایپ شده اند.

از آن جایی که در آزمون های حقوقی اخیر، قوانین خاص مورد پرسش قرار می گیرد لازم است تا داوطلبان گرامی نسبت به این مواد در کنار مواد قوانین اصلی تسلط داشته باشند. کتاب حاضر می تواند برای تمام خانواده حقوقی علاوه بر متقاضیان آزمونهای حقوقی مورد استفاده واقع شود.

به امید پیروزی

الهه جمشیدی - ماریا خواجه

فهرست مطالب

فهرست مطالب	۱
قوانین خاص حقوق مدنی	۳
قانون مسئولیت مدنی	۴
قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه	۹
قانون روابط موجر و مستأجر - ۵۶	۲۸
قانون روابط موجر و مستأجر - ۷۶	۴۳
قانون تملک آپارتمانها	۴۷
قانون پیش فروش ساختمان	۵۱
قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان	۵۶
قانون حمایت از خانواده	۶۱
قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت	۷۵
قوانین خاص آیین دادرسی مدنی	۹۵
قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی	۹۶
قانون شوراهای حل اختلاف	۱۰۳
قانون دیوان عدالت اداری	۱۱۶
قانون اجرای احکام مدنی	۱۴۵
قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب	۱۷۱
لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری	۱۷۵
قانون امور حسبی	۱۷۹
قوانین خاص حقوق تجارت	۲۱۴
قانون جدید اصلاح صدور چک مصوب ۱۴۰۰	۲۱۵
قانون استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک	۲۳۳
قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی	۲۳۵
قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران	۲۴۸
قانون اجرای سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم (۴۴)	۲۶۶
قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران	۲۹۵
قانون تجارت الکترونیکی	۳۰۶

- ۳۱۸ قانون راجع به ثبت شرکت‌ها.
- ۳۲۱ قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذیصلاح به عنوان حسابدار رسمی.
- ۳۲۲ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی.
- ۳۳۲ فهرست مواد مهم برخی از قوانین خاص حقوقی.
- ۳۳۳ قانون اصلاح ماده (۲۴۱) لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت.
- ۳۳۴ قوانین خاص جزایی و کیفری.
- ۳۳۵ قانون جرائم رایانه ای.
- ۳۴۶ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری.
- ۳۵۱ قانون جرم سیاسی.
- ۳۵۴ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن.
- ۳۵۵ اصول جزایی قانون اساسی.
- ۳۵۸ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی.
- ۳۶۰ قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تباری می نمایند.
- ۳۶۱ قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر.
- ۳۶۲ جرائم و مجازات‌ها از قانون ثبت اسناد و املاک.
- ۳۷۹ قانون مبارزه با پولشویی.
- ۳۸۸ قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور.

بخش اول

قوانین خاص

حقوق مدنی

قانون مسئولیت مدنی

مصوب ۷ اردیبهشت ۱۳۳۹

ماده ۱ - هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد.

ماده ۲ - در موردی که عمل وارد کننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی زیان دیده باشد دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارات مزبور محکوم می نماید و چنانچه عمل وارد کننده زیان موجب یکی از خسارات مزبور باشد دادگاه او را به جبران همان نوع خساراتی که وارد نموده محکوم خواهد نمود.

ماده ۳ - دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد، جبران زیان را به صورت مستمری نمی شود تعیین کرد مگر آنکه مدیون تأمین مقتضی برای پرداخت آن بدهد یا آنکه قانون آن را تجویز نماید.

ماده ۴ - دادگاه می تواند میزان خسارت را در موارد زیر تخفیف دهد:

۱ - هرگاه پس از وقوع خسارت وارد کننده زیان به نحو موثری به زیان دیده کمک و مساعدت کرده باشد.
۲ - هرگاه وقوع خسارت ناشی از غفلتی بوده که صرفاً قابل اغماض باشد و جبران آن نیز موجب عسرت و تنگدستی وارد کننده زیان شود.

۳ - وقتی که زیان دیده به نحوی از انحاء موجبات تسهیل ایجاد زیان را فراهم نموده یا به اضافه شدن آن کمک و یا وضعیت وارد کننده زیان را تشدید کرده باشد.

ماده ۵ - اگر در اثر آسیبی که به بدن یا سلامتی کسی وارد شده و بدن او نقصی پیدا شود یا قوه کار زیان دیده کم گردد و یا از بین برود و یا موجب افزایش مخارج زندگانی او بشود واردکننده زیان مسئول جبران کلیه خسارات مزبور است. دادگاه جبران زیان را با رعایت اوضاع و احوال قضیه به طریق مستمری و یا پرداخت مبلغی دفعتاً واحده تعیین می نماید و در مواردی که جبران زیان باید به طریق مستمری به عمل آید تشخیص اینکه به چه اندازه و تا چه مبلغ می توان از وارد کننده زیان تأمین گرفت با دادگاه است. اگر در موقع صدور حکم تعیین عواقب صدمات بدنی به طور تحقیق ممکن نباشد دادگاه از تاریخ صدور حکم تا دو سال حق تجدیدنظر نسبت به حکم خواهد داشت.

ماده ۶ - در صورت مرگ آسیب دیده زیان شامل کلیه هزینه ها مخصوصاً هزینه کفن و دفن می باشد، اگر مرگ فوری نباشد هزینه معالجه و زیان ناشی از سلب قدرت کار کردن در مدت ناخوشی نیز جزء زیان محسوب خواهد شد. در صورتی که در زمان وقوع آسیب زیان دیده قانوناً مکلف بوده و یا ممکن است بعدها مکلف شود شخص ثالثی را نگاهداری نماید و در اثر مرگ او شخص ثالث از آن حق محروم گردد وارد کننده زیان باید مبلغی به عنوان مستمری متناسب تا مدتی که ادامه حیات آسیب دیده عادتاً ممکن و مکلف به نگاهداری شخص ثالث بوده به آن شخص پرداخت کند در این صورت تشخیص میزان تأمین که باید گرفته شود با دادگاه است.

در صورتی که در زمان وقوع آسیب نطفهء شخص ثالث بسته شده و یا هنوز طفل به دنیا نیامده باشد شخص مزبور استحقاق مستمری را خواهد داشت.

ماده ۷ - کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می باشد در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران کننده زیان نباشد.

نکته:

این ماده فقط راجع به مسئولیت سرپرست نسبت به خسارات وارده از ناحیه صغیر (اعم از ممیز یا غیر ممیز) و مجنون است. و در مورد سفیه قابل اجرا نیست.

به توضیح بیشتر:

منظور از کسی که نگاهداری مجنون یا صغیر بر حسب قرارداد بر عهده اوست مانند مربی مهدکودک - پرستار بچه و است.

ماده ۸ - کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت و اعتبارات و موقعیت دیگری زیان وارد آورد مسئول جبران آن است .

شخصی که در اثر انتشارات مزبور یا سایر وسایل مختلف حسن نیت مشتریانش کم و یا در معرض از بین رفتن باشد می تواند موقوف شدن عملیات مزبور را خواسته و در صورت اثبات تقصیر زیان وارده را از وارد کننده مطالبه نماید.

ماده ۹ - دختری که در اثر اعمال حیله یا تهدید و یا سوء استفاده از زیر دست بودن حاضر برای هم خوابگی نامشروع شده می تواند از مرتکب علاوه از زیان مادی مطالبه زیان معنوی هم بنماید.

ماده ۱۰ - کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد می شود می تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد. هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ايجاب نماید دادگاه می تواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذر خواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید.

ماده ۱۱ - کارمندان دولت و شهرداری ها و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارات وارده می باشند ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه مربوطه است ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود.

نکته:

براساس ماده ۱۱ ق.م.م. در مورد خسارات کارمندان دولت، شهرداریها و موسسات وابسته به آن ها:
* اگر خسارت ناشی از عمد یا بی احتیاطی کارمند باشد جبران خسارت بر عهده خود اوست
* در صورتی که خسارت مستند به عمل کارمند نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و موسسات مزبور باشد جبران خسارت به عهده اداره یا موسسه خواهد بود.

اعمال دولتی

✓ اعمال تصدی

✓ اعمال حاکمیتی

در خصوص اقداماتی که دولت در مقام اعمال حاکمیت و اعمال حاکمیتی انجام می دهد اگر اقدامات بر حسب ضرورت و در راستای منافع اجتماعی و مطابق قانون به عمل آید و موجب ضرر غیر گردد دولت مسئولیتی نخواهد داشت.

ماده ۱۲ - کارفرمایی که مشمول قانون کار هستند مسئول جبران خساراتی می باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارده شده است مگر اینکه محرز شود تمام احتیاط هائی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می نموده به عمل آورده یا اینکه اگر احتیاط های مزبور را به عمل می آوردند باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی بود کارفرما می تواند به وارد کننده خسارت در صورتی که مطابق قانون مسئول شناخته شود مراجعه نماید.

نکته:

بر اساس ماده ۱۲ ق.م.م. کارفرمایان مشمول قانون کار، مسئول جبران خساراتی هستند که از طرف کارکنان اداری یا کارگران در حین انجام کار یا به مناسبت آن به دیگران وارد می شود. مگر آن که ثابت شود، تمام احتیاطات لازم را به عمل آورده یا اگر هم احتیاط های لازم را به عمل می آورد باز هم جلوگیری از ورود ضرر ممکن نبود. در اینجا قانون گذار تقصیر کارفرما را مفروض دانسته است.

ماده ۱۳ - کارفرمایان مشمول ماده ۱۲ مکلفند تمام کارگران و کارکنان اداری خود را در مقابل خسارات وارده از ناحیه آنان به اشخاص ثالث بیمه نمایند.

ماده ۱۴- در مورد ماده ۱۲ هرگاه چند نفر مجتمعاً زبانی وارد آورند **متضامن مسئول جبران خسارات وارده هستند.**

در این مورد **میزان مسئولیت هر یک از آنان با توجه به نحوه مداخله هر یک از طرف دادگاه تعیین خواهد شد.**

ماده ۱۵ - کسی که در مقام دفاع مشروع موجب خسارت بدنی یا مالی شخص متعددی شود مسئول خسارت نیست مشروط بر اینکه خسارت وارده بر حسب متعارف متناسب با دفاع باشد.

ماده ۱۶ - وزارت دادگستری مأمور اجرای این قانون است.

سؤالات قانون مسئولیت مدنی

۱- شرکت پیمانکاری در برابر وزارت نیرو، احداث یک سد جهت بهره برداری در امر کشاورزی منطقه را برعهده می گیرد. اگر در مدت قرارداد سد را آماده نکند، براساس حقوق ایران، مسئول کدامیک از خسارات زیر است؟ (دکتری سراسری، ۹۶)

۱) قیمت آبهای هدر رفته

۲) قیمت آبهای هدر رفته و خسارات باغات مردم که در اثر کم آبی آسیب دیده اند

۳) قیمت آبهای هدر رفته و منافعی که با بهره برداری از آب سد در امر کشاورزی حاصل می شود

۴) قیمت آبهای هدر رفته و خسارات باغات و منافعی که با بهره برداری از آب سد حاصل می شده است.

✓ پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

۲- قابلیت پیش بینی ضرر، در کدام مورد شرط است؟ (ارشد سراسری ۹۶)

۱) مسئولیت دارنده اتومبیل

۲) خسارت وارده به مصرف کننده ناشی از عیب تولید کالا

۳) خسارات ناشی از صدمه های بدنی که در آینده ظاهر می شود

۴) مسافری که سابقه بیماری و در اثر ترمز ناگهانی قطار، دچار حمله قلبی شود.

✓ پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

۳- والدین صغیری نگهداری او را در ساعات اداری به موجب قرارداد به مهدکودک سپرده اند، در همین مدت، صغیر به دیگری خسارت وارد می سازد، کدام مورد در خصوص مسئولیت جبران خسارت، صحیح است؟ (وکالت ۹۵)

۱) اصولاً والدین مسئول جبران خسارت هستند، مگر اینکه ثابت کننده تقصیری در تربیت طفل نکرده اند.

۲) صغیر مسئول است و باید از مال او، جبران خسارت شود.

۳) صغیر، مهدکودک و والدین، مسئولیت تضامنی دارند.

۴) مهدکودک در هر حال مسئول جبران خسارت است.

✓ پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

۴- در دعوی مسئولیت مدنی در کدام مورد زیان دیده باید تقصیر وارد کننده زیان را اثبات نماید؟

۱) در دعوی زیان دیده علیه مربی مهدکودک به خاطر خسارت ناشی از فعل کودک

۲) در دعوی مالک مال مسروقه علیه خریداری که از مسروقه بودن آن مال اطلاع نداشته باشد

۳) در دعوی مسافر علیه متصدی حمل دریایی، چنانچه خسارات بدنی ناشی از غرق شدن کشتی باشد.

۴) در دعوی همسایه زمین فوتبال، علیه بازیکنی که در نتیجه پرتاب توپ شیشه آن ملک را شکسته است.

✓ پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

۵- کارگری بر اثر حادثه کار، از کار افتاده کلی می شود. براساس نظر بازرس کار و رأی دادگاه، کارفرما مقصر حادثه تشخیص داده شود. چنانچه کارفرما حق بیمه تأمین اجتماعی پرداخته باشد، میزان مسئولیت او چقدر است؟ (دکتری سراسری ۹۲ و ۹۳)

۱) کارفرما نه تکلیفی به پرداخت دیه به کارگر را دارد و نه لازم است مبالغ مستمری پرداخت شده به کارگر توسط سازمان تأمین اجتماعی را به آن سازمان مسترد نماید.

۲) با توجه به این که کارفرما کارگر را نزد سازمان تأمین اجتماعی بیمه کرده است، کارگر تنها می تواند از آن سازمان مستمری دریافت کند، اما حق گرفتن دیه از کارفرما را ندارد.

۳) کارفرما نه تنها باید به کارگر دیه بپردازد بلکه مبالغی را نیز که سازمان تأمین اجتماعی بابت مستمری به کارگر پرداخته است باید به آن سازمان مسترد نماید.

۴) کارفرما باید به کارگر دیه بپردازد، اما با توجه به این که حق بیمه کارگر را به سازمان تأمین اجتماعی پرداخته است، تکلیفی به استرداد مبالغ مستمری پرداخت شده به کارگر توسط آن سازمان را ندارد.

❑ پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

- ۶_ شخص «الف» به اتهام تخریب و سرقت علیه شخص «ب» دعوی کیفری طرح می کند اما دادگاه تشخیص «ب» را از اتهام متناسبه تبرئه می نماید. آیا شخص «الف» می تواند از طریق دعوی حقوقی خواهان جبران خسارت وارد شده ناشی از فعل شخص «ب» شود؟ (ارشد سراسری ۹۲)
- (۱) با عنایت به اعتبار امر مختوم کیفری در دعوی مدنی، امکان طرح دعوی جبران خسارت وجود ندارد.
 (۲) شخص «الف» می تواند دعوی حقوقی طرح کند.
 (۳) نسبت خسارات بدنی امکان طرح دعوی حقوقی وجود ندارد اما نسبت به خسارات مالی شخص «الف» می تواند دعوی حقوقی طرح کند.
 (۴) شخص «الف» تنها ضمن دعوی کیفری می توانست تقاضای ضرر و زیان ناشی از جرم نماید.

❑ پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

۷_ براساس نظریه تضمین حقوق، کدام عبارت صحیح است؟ (دکتری سراسری ۹۱)

- (۱) به منظور تضمین حق زیان دیده هر زبانی قابل مطالبه است.
 (۲) خسارت صرفا در صورتی که قابل مطالبه است که وارد کننده زیان از حق خود سوء استفاده کرده باشد.
 (۳) اگر لازمه اجرای اصل حقی ورود زیان به دیگران باشد، خسارت ناشی از آن قابل مطالبه نیست.
 (۴) مطالبه زیانهای وارده به اشخاص، به طور کلی، باید توسط دولت تضمین شود.
- ❑ پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

۸_ در یک فیلم «حرفه وکالت دادگستری» مورد اهانت واقع شده است، چه کسی حق مطالبه خسارت دارد؟ (دکتری سراسری ۹۱)

- (۱) دادستان یا هر شخصی در جامعه
 (۲) هر وکیل دادگستری یا کانون وکلای دادگستری
 (۳) هر وکیل دادگستری
 (۴) کانون وکلای دادگستری

❑ پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

۹_ در خصوص مسئولیت مدنی کودک غیر ممیز کدام عبارت صحیح نیست؟ (وکالت ۹۱)

- (۱) کودک غیر ممیز در قبال ضرر و زیان ناشی از جرم مسئولیت مدنی دارد.
 (۲) چنانچه خسارات ناشی از فعل کودک غیر ممیز منحصر به دلیل تقصیر سرپرست کودک در نگهداری او باشد، خود کودک در هیچ فرضی تکلیفی به پرداخت خسارت ندارد.
 (۳) کودک غیر ممیز در قبال خسارات بدنی که به دیگران وارد می کند تا میزان دیه مسئولیت مدنی ندارد.
 (۴) چنانچه خسارات ناشی از فعل کودک غیرممیز منحصر به دلیل تقصیر سرپرست کودک در نگهداری او وارد شده باشد و سرپرست به دلیل عدم تمکن مالی توانایی پرداخت بخشی از خسارات زیان دیده را نداشته باشد، مابقی خسارت از اموال خود کودک پرداخت می شود.

❑ پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

۱۰_ اگر در اثر اشتباه قاضی، ضرری متوجه افراد شود و قاضی مقصر نباشد، جبران خسارت به عهده چه کسی است؟ (قضاوت ۹۱)

- (۱) شخص خود قاضی
 (۲) دولت
 (۳) قوه قضاییه
 (۴) وزارت دادگستری

❑ پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

۱۱_ در صورت تعدد کارگرانی که در حین انجام کار به دیگری ضرر وارد نموده اند

- (۱) مسئولیت آنان در برابر کارفرما تضامنی است
 (۲) مسئولیت آنان در برابر زیان دیده تضامنی است
 (۳) دادگاه میزان مسئولیت هر یک در برابر زیان دیده را با توجه به نحوه مداخله او تعیین می کند.
 (۴) در رابطه بین کارگران مسئولیت تضامنی خواهد بود.

❑ گزینه ۲ صحیح است.

قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه

مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰

❖ بخش نخست - کلیات

ماده ۱ - اصطلاحات به کار برده شده در این قانون، دارای معانی به شرح زیر است:

الف - خسارت بدنی: هر نوع دیه یا ارش ناشی از هر نوع صدمه به بدن مانند شکستگی، نقص و ازکارافتادگی عضو اعم از جزئی یا کلی - موقت یا دائم، دیه فوت و هزینه معالجه با رعایت ماده (۳۵) این قانون به سبب حوادث مشمول بیمه موضوع این قانون

ب - خسارت مالی: زیانهایی که به سبب حوادث مشمول بیمه موضوع این قانون به اموال شخص ثالث وارد شود.

پ - حوادث: هرگونه سانحه ناشی از وسایل نقلیه موضوع بند (ث) این ماده و محمولات آنها از قبیل تصادم، تصادف، سقوط، واژگونی، آتش سوزی و یا انفجار یا هر نوع سانحه ناشی از وسایل نقلیه بر اثر حوادث غیرمترقبه

ت - شخص ثالث: هر شخصی است که به سبب حوادث موضوع این قانون دچار خسارت بدنی و یا مالی شود به استثنای راننده مسبب حادثه

ث - وسیله نقلیه: وسایل نقلیه موتوری زمینی و ریلی شهری و بین شهری و واگن متصل یا غیرمتصل به آن و یدک و کفی (تریلر) متصل به آنها

ج - صندوق: صندوق تأمین خسارت های بدنی

چ - بیمه مرکزی: بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران

ح - راهنمایی و رانندگی: پلیس راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

ماده ۲ - کلیه دارندگان وسایل نقلیه موضوع این قانون اعم از اینکه اشخاص حقیقی یا حقوقی باشند مکلفند وسایل نقلیه خود را در قبال خسارت بدنی و مالی که در اثر حوادث وسایل نقلیه مذکور به اشخاص ثالث وارد می شود حداقل به مقدار مندرج در ماده (۸) این قانون نزد شرکت بیمه ای که مجوز فعالیت در این رشته را از بیمه مرکزی داشته باشد، بیمه کنند.

تبصره ۱ - دارنده از نظر این قانون اعم از مالک و یا متصرف وسیله نقلیه است و هر کدام که بیمه نامه موضوع این ماده را تحصیل کند تکلیف از دیگری ساقط می شود.

تبصره ۲ - مسئولیت دارنده وسیله نقلیه در تحصیل بیمه نامه موضوع این قانون مانع از مسئولیت شخصی که حادثه منسوب به فعل یا ترک فعل او است نمی باشد. در هر حال خسارت واردشده از محل بیمه نامه وسیله نقلیه مسبب حادثه پرداخت می گردد.

نکته:

در قانون بیمه اجباری مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث، برای مالک (دارنده) وسیله نقلیه مسئولیت نوعی (بدون تقصیر) مقرر شده است. یعنی شخص صرفاً به واسطه مالکیت خویش بر وسیله نقلیه، مسئول جبران خسارات بدنی یا مالی است که در نتیجه حوادث مربوط به وسیله نقلیه مزبور به اشخاص ثالث وارد می‌شود.

نکته:

برای مطالبه خسارت از دارنده وسیله نقلیه نیازی به اثبات تقصیر وی نیست، همین که بتوان وسیله نقلیه متعلق به او را مسبب حادثه دانست، خسارت از وی قابل مطالبه است، و از محل بیمه نامه وسیله نقلیه وصول خواهد شد. در عین حال مسئولیت دارنده، مانع از مسئولیت شخصی که بروز حادثه منسوب به فعل یا ترک فعل اوست (راننده مقصر) نخواهد بود.

ماده ۳ - دارنده وسیله نقلیه مکلف است برای پوشش خسارت‌های بدنی وارنده به راننده مسبب حادثه، **حداقل به میزان دیه مرد مسلمان در ماه غیرحرام**، بیمه حوادث اخذ کند؛ مبنای محاسبه میزان خسارت قابل پرداخت به راننده مسبب حادثه، معادل دیه فوت یا دیه و یا ارزش جرح در فرض ورود خسارت بدنی به **مرد مسلمان در ماه غیرحرام و هزینه معالجه** آن می‌باشد. سازمان پزشکی قانونی مکلف است با درخواست راننده مسبب حادثه یا شرکت بیمه مربوط، نوع و درصد صدمه بدنی وارنده را تعیین و اعلام کند. آیین نامه اجرائی و حق بیمه مربوط به این بیمه نامه به پیشنهاد بیمه مرکزی پس از تصویب شورای عالی بیمه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ماده ۴ - در صورت وقوع حادثه و ایجاد خسارت بدنی یا مالی برای شخص ثالث:

الف - در صورتی که وسیله نقلیه مسبب حادثه، دارای بیمه نامه موضوع این قانون باشد، جبران خسارت‌های وارنده در حدود مقررات این قانون بر عهده بیمه گر است. در صورت نیاز به طرح دعوی در خصوص مطالبه خسارت، زیان دیده یا قائم مقام وی دعوی را علیه بیمه گر و مسبب حادثه طرح می‌کند. این حکم، نافی مسئولیت‌های کیفری راننده مسبب حادثه نیست.

ب - در صورتی که وسیله نقلیه، فاقد بیمه نامه موضوع این قانون یا مشمول یکی از موارد مندرج در ماده (۲۱) این قانون باشد، خسارت‌های بدنی وارنده توسط **صندوق با رعایت ماده (۲۵) این قانون** جبران می‌شود. در صورت نیاز به طرح دعوی در این خصوص، زیان دیده یا قائم مقام وی دعوی را علیه **راننده مسبب حادثه و صندوق** طرح می‌کند.

پ - در صورتی که خودرو، فاقد بیمه نامه موضوع این قانون بوده و وسیله نقلیه با اذن مالک در اختیار راننده مسبب حادثه قرار گرفته باشد، در صورتی که مالک، شخص حقوقی باشد، به جزای نقدی معادل بیست درصد (۲۰٪) و در صورتی که مالک شخص حقیقی باشد به جزای نقدی معادل ده درصد (۱۰٪) مجموع خسارات بدنی وارنده محکوم می‌شود. مبلغ مذکور به حساب درآمدهای اختصاصی صندوق نزد خزانه داری کل کشور واریز می‌شود و با پیش بینی در بودجه‌های سالانه، صددرصد (۱۰۰٪) آن به صندوق اختصاص می‌یابد.

ماده ۵ - شرکت سهامی بیمه ایران مکلف است طبق مقررات این قانون و آیین نامه‌های مربوط به آن، با دارندگان وسایل نقلیه موضوع این قانون قرارداد بیمه منعقد کند. سایر شرکتهای بیمه متقاضی فعالیت در رشته بیمه شخص ثالث می‌توانند پس از اخذ مجوز از بیمه مرکزی اقدام به فروش بیمه نامه شخص ثالث کنند. بیمه مرکزی موظف است براساس آیین نامه اجرائی که به پیشنهاد بیمه مرکزی و تأیید شورای عالی بیمه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، برای شرکتهای متقاضی، مجوز فعالیت در رشته شخص ثالث صادر

کند. در آیین نامه اجرائی موضوع این ماده مواردی از قبیل حداقل توانگری مالی شرکت بیمه، سابقه مناسب پرداخت خسارت، داشتن نیروی انسانی و ظرفیت های لازم برای صدور بیمه نامه و پرداخت خسارت باید مد نظر قرار گیرد. شرکتهایی که مجوز فعالیت در این رشته بیمه ای را از بیمه مرکزی دریافت می کنند، موظفند طبق مقررات این قانون و آیین نامه های مربوط به آن، با کلیه دارندگان وسایل نقلیه موضوع این قانون قرارداد بیمه منعقد کنند. ادامه فعالیت در رشته شخص ثالث برای شرکتهایی که در زمان تصویب این قانون در رشته بیمه شخص ثالث فعال هستند، منوط به اخذ مجوز از بیمه مرکزی ظرف مدت دو سال از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون می باشد.

ماده ۶ - از تاریخ انتقال مالکیت وسیله نقلیه، کلیه حقوق و تعهدات ناشی از قرارداد بیمه موضوع این قانون به انتقال گیرنده منتقل می شود و انتقال گیرنده تا پایان مدت قرارداد بیمه، بیمه گذار محسوب می شود. تبصره - کلیه تخفیفاتی که به واسطه «نداشتن حوادث منجر به خسارت» در قرارداد بیمه موضوع این قانون اعمال شده باشد، متعلق به انتقال دهنده است. انتقال دهنده می تواند تخفیفات مذکور را به وسیله نقلیه دیگر از همان نوع، که متعلق به او یا متعلق به همسر، والدین یا اولاد بلاواسطه وی باشد، منتقل کند. آیین نامه اجرائی این تبصره به پیشنهاد بیمه مرکزی و تأیید شورای عالی بیمه به تصویب هیئت وزیران می رسد. ماده ۷ - دارندگان وسیله نقلیه موتوری زمینی که از خارج وارد ایران می شوند در صورتی که خارج از کشور وسیله نقلیه خود را در مقابل خساراتی که بر اثر حوادث ناشی از آن به موجب بیمه نامه ای که از طرف بیمه مرکزی معتبر شناخته می شود بیمه نکرده باشند، مکلفند هنگام ورود به مرز ایران وسیله نقلیه خود را در قبال خسارت های بدنی و مالی که در اثر حوادث نقلیه مزبور یا محمولات آنها به اشخاص ثالث وارد می شود حداقل به میزان مندرج در ماده (۸) این قانون بیمه کنند.

همچنین دارندگان وسیله نقلیه ایرانی که از کشور خارج می شوند موظفند هنگام خروج با پرداخت حق بیمه مربوط، وسیله نقلیه خود را در مقابل خساراتی که بر اثر حوادث نقلیه مذکور در خارج از کشور به اشخاص ثالث ایرانی وارد شود حداقل به میزان مندرج در ماده (۸) این قانون و نیز بیمه حوادث راننده موضوع ماده (۳) این قانون بیمه کنند. در غیر این صورت از تردد وسایل مزبور توسط مراجع ذی ربط جلوگیری می شود.

❖ بخش دوم - حقوق و تعهدات بیمه گر و بیمه گذار

ماده ۸ - حداقل مبلغ بیمه موضوع این قانون در بخش خسارت بدنی معادل حداقل ربالی دیه یک مرد مسلمان در ماههای حرام با رعایت تبصره ماده (۹) این قانون است و در هر حال بیمه گذار موظف به اخذ الحاقیه نمی باشد. همچنین حداقل مبلغ بیمه موضوع این قانون در بخش خسارت مالی معادل دو و نیم درصد (۲/۵٪) تعهدات بدنی است. بیمه گذار می تواند برای جبران خسارت های مالی بیش از حداقل مزبور، در زمان صدور بیمه نامه یا پس از آن، بیمه تکمیلی تحصیل کند.

تبصره ۱ - در صورتی که بیمه گذار در خصوص خسارت های مالی تقاضای پوشش بیمه ای بیش از سقف مندرج در این ماده را داشته باشد بیمه گر مکلف به انعقاد قرارداد بیمه تکمیلی با بیمه گذار می باشد. حق بیمه در این مورد در چهارچوب ضوابط کلی که توسط بیمه مرکزی اعلام می شود، توسط بیمه گر تعیین می گردد.

تبصره ۲ - در صورت بروز حادثه، بیمه گر مکلف است کلیه خسارات وارده را مطابق این قانون پرداخت کند و مواد (۱۲) و (۱۳) قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶/۲/۷ در این مورد اعمال نمی شود.

تبصره ۳ - خسارت مالی ناشی از حوادث رانندگی صرفاً تا میزان خسارت متناظر وارده به گرانترین خودروی متعارف از طریق بیمه نامه شخص ثالث و یا مقصر حادثه قابل جبران خواهد بود.

تبصره ۴ - منظور از خودروی متعارف خودرویی است که قیمت آن کمتر از پنجاه درصد (۵۰٪) سقف تعهدات بدنی که در ابتدای هر سال مشخص می شود، باشد.

تبصره ۵ - ارزیابان خسارات موضوع ماده (۳۹) و کارشناسان ارزیاب خسارت شرکتهای بیمه و کارشناسان رسمی دادگستری در هنگام برآورد خسارت، موظفند مطابق این ماده اعلام نظر کنند.

ماده ۹ - بیمه گر ملزم به جبران خسارت های وارد شده به اشخاص ثالث مطابق مقررات این قانون است. تبصره - در صورتی که در یک حادثه، مسئول آن به پرداخت بیش از یک دیه به هر یک از زیان دیدگان محکوم شود، بیمه گر مکلف به پرداخت کل خسارات بدنی است، اعم از اینکه مبلغ مازاد بر دیه، کمتر از یک دیه کامل یا بیشتر از آن باشد.

ماده ۱۰ - بیمه گر مکلف است در ایفاء تعهدات مندرج در این قانون خسارت وارده به زیان دیدگان را بدون لحاظ جنسیت و دین تا سقف تعهدات بیمه نامه پرداخت کند. مراجع قضائی موظفند در انشای حکم پرداخت دیه، مبلغ مازاد بر دیه موضوع این ماده را به عنوان بیمه حوادث درج کنند.

ماده ۱۱ - درج هرگونه شرط در بیمه نامه که برای بیمه گذار یا زیان دیده مزایای کمتر از مزایای مندرج در این قانون مقرر کند، یا درج شرط تعلیق تعهدات بیمه گر در قرارداد به هر نحوی، باطل و بلااثر است. بطلان شرط سبب بطلان بیمه نامه نمی شود. همچنین اخذ هرگونه رضایتنامه از زیان دیده توسط بیمه گر و صندوق مبنی بر رضایت به پرداخت خسارت کمتر از مزایای مندرج در این قانون ممنوع است و چنین رضایتنامه ای بلااثر است.

ماده ۱۲ - تعهد ریالی بیمه گر در قبال زیان دیدگان داخل وسیله نقلیه مسبب حادثه، برابر حاصل ضرب ظرفیت مجاز وسیله نقلیه در سقف تعهدات بدنی بیمه نامه با رعایت تبصره ماده (۹) و ماده (۱۳) این قانون است.

در مواردی که به علت عدم رعایت ظرفیت مجاز وسیله نقلیه، مجموع خسارات بدنی زیان دیدگان وسیله نقلیه مقصر حادثه بیش از سقف مذکور باشد مبلغ خسارت مورد تعهد بیمه گر به نسبت خسارت وارده به هر یک از زیان دیدگان بین آنان تسهیم می گردد و ما به التفاوت خسارت بدنی هر یک از زیان دیدگان توسط صندوق تأمین خسارت های بدنی وفق مقررات مربوط پرداخت و مطابق مقررات این قانون از مسبب حادثه بازیافت می شود.

میزان ظرفیت مجاز وسایل نقلیه با توجه به نوع و کاربری آنها به موجب آیین نامه ای خواهد بود که توسط وزارت کشور با همکاری وزارتخانه های صنعت، معدن و تجارت و راه و شهرسازی و بیمه مرکزی تهیه می شود و به تصویب هیئت وزیران می رسد.

در هر صورت تعداد جنین و اطفال زیر دو سال داخل وسیله نقلیه به ظرفیت مجاز خودرو اضافه می شود. تبصره - تعهد ریالی بیمه گر در قبال زیان دیدگان خارج از وسیله نقلیه مسبب حادثه ده برابر سقف تعهدات بدنی بیمه نامه با رعایت تبصره ماده (۹) و ماده (۱۳) این قانون می باشد. در مواردی که مجموع خسارات بدنی زیان دیدگان خارج از وسیله نقلیه مسبب حادثه بیش از سقف مذکور باشد مبلغ خسارت مورد تعهد بیمه گر به نسبت خسارت وارده به هر یک از زیان دیدگان بین آنان تسهیم می گردد و مابهالتفاوت خسارت بدنی هر یک از زیان دیدگان توسط صندوق تأمین خسارت های بدنی وفق مقررات مربوط پرداخت می شود.

ماده ۱۳ - بیمه گر یا صندوق حسب مورد مکلفند خسارت بدنی تعلق گرفته به شخص ثالث را به قیمت یوم الاداء و با رعایت این قانون و سایر قوانین و مقررات مربوط پرداخت کنند. بیمه گر، در صورتی که خسارت بدنی که به زیان دیده پرداخت نموده بیشتر از تعهد وی مندرج در ماده (۸) این قانون باشد، می تواند نسبت به مازاد پرداختی، به صندوق رجوع یا در صورت موافقت صندوق در حسابهای فیما بین منظور کند مشروط بر اینکه افزایش مبلغ قابل پرداخت بابت دیه منتسب به تأخیر بیمه گر نباشد.

تبصره - در صورتی که خسارت بدنی زیان دیده بیشتر از تعهد شرکت بیمه مندرج در ماده (۸) این قانون باشد، شرکت بیمه مکلف است، بلافاصله مراتب مذکور و کلیه مستندات پرونده مربوط را از طریق سامانه الکترونیک موضوع ماده (۵۵) به صندوق و بیمه مرکزی اطلاع دهد.

ماده ۱۴ - در حوادث رانندگی منجر به جرح یا فوت که به استناد گزارش کارشناس تصادفات راهنمایی و رانندگی یا پلیس راه، علت اصلی وقوع تصادف یکی از تخلفات رانندگی حادثه ساز باشد، بیمه گر مکلف است خسارت زیان دیده را بدون هیچ شرط و اخذ تضمین پرداخت کند و پس از آن می تواند به شرح زیر برای بازیافت به مسبب حادثه مراجعه کند:

الف - در اولین حادثه ناشی از تخلف حادثه ساز راننده مسبب در طول مدت بیمه نامه: معادل دو و نیم درصد (۲/۵٪) از خسارت های بدنی و مالی پرداخت شده

ب - در دومین حادثه ناشی از تخلف حادثه ساز راننده مسبب در طول مدت بیمه نامه: معادل پنج درصد (۵٪) از خسارت های بدنی و مالی پرداخت شده

پ - در سومین حادثه ناشی از تخلف حادثه ساز و حوادث بعد از آن در طول مدت بیمه نامه: معادل ده درصد (۱۰٪) از خسارت های بدنی و مالی پرداخت شده

تبصره - مصادیق و عناوین تخلفات رانندگی حادثه ساز به موجب ماده (۷) قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۸ تعیین می شود.

ماده ۱۵ - در موارد زیر بیمه گر مکلف است بدون هیچ شرط و اخذ تضمین، خسارت زیان دیده را پرداخت کند و پس از آن می تواند به قائم مقامی زیان دیده از طریق مراجع قانونی برای بازیافت تمام یا بخشی از وجوه پرداخت شده به شخصی که موجب خسارت شده است مراجعه کند:

الف - اثبات عمد مسبب در ایجاد حادثه نزد مراجع قضائی

ب - رانندگی در حالت مستی یا استعمال مواد مخدر یا روانگردان مؤثر در وقوع حادثه که به تأیید نیروی انتظامی یا پزشکی قانونی یا دادگاه رسیده باشد.

پ - در صورتی که راننده مسبب، فاقد گواهینامه رانندگی باشد یا گواهینامه او متناسب با نوع وسیله نقلیه نباشد.

ت - در صورتی که راننده مسبب، وسیله نقلیه را سرقت کرده یا از مسروقه بودن آن، آگاه باشد.

تبصره ۱ - در صورت وجود اختلاف میان بیمه گر و مسبب حادثه، اثبات موارد فوق در مراجع قضائی صالح صورت خواهد گرفت.

تبصره ۲ - در مواردی که طبق این قانون بیمه گر حق رجوع به مسبب حادثه یا قائم مقام قانونی وی را دارد، اسناد پرداخت خسارت از سوی بیمه گر در حکم اسناد لازم الاجرا است و از طریق دوایر اجرای سازمان ثبت اسناد و املاک کشور قابل مطالبه و وصول می باشد.

تبصره ۳ - در صورتی که حادثه در حین آموزش رانندگی توسط مراکز مجاز یا آزمون اخذ گواهینامه رخ دهد، خسارت پرداخت شده به وسیله شرکت بیمه از آموزش گیرنده یا آزمون دهنده قابل بازیافت نخواهد بود و حسب مورد آموزش دهنده یا آزمون گیرنده، راننده محسوب می شود.

ماده ۱۶ - چنانچه به حکم مرجع قضائی اثبات شود، عواملی نظیر نقص راه، نبودن یا نقص علائم رانندگی و نقص تجهیزات مربوط یا عیب ذاتی وسیله نقلیه، یا ایجاد مانع توسط دستگاههای اجرائی یا هر شخص حقیقی یا حقوقی دیگر در وقوع حادثه مؤثر بوده است، بیمه گر و صندوق پس از پرداخت خسارت زیان دیده می تواند برای بازیافت به نسبت درجه تقصیر که درصد آن در حکم دادگاه مشخص می شود به مسببان ذی ربط مراجعه کند.

دستگاه های ذی ربط مجازند مسئولیت کارکنان خویش را در قبال مسئولیت های موضوع این ماده از محل اعتبارات جاری و تملک دارایی های سرمایه ای تحت اختیار، بیمه کنند.

تبصره - در صورتی که حسب نظریه افسران موضوع ماده (۱۷) قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، نقص راه، وسیله نقلیه یا عامل انسانی مؤثر در بروز تصادف اعلام شود در صورت اعتراض ذی نفع، موضوع حسب مورد به کارشناس یا هیئت کارشناسان رسمی مستقل در امور مرتبط با موضوع از قبیل راه و مهندسی ترافیک، مکانیک و تصادفات با نظر دادگاه ارجاع می شود.

ماده ۱۷ - موارد زیر از شمول بیمه موضوع این قانون خارج است:

الف - خسارت وارده به وسیله نقلیه مسبب حادثه و محمولات آن

ب - خسارت مستقیم و یا غیرمستقیم ناشی از تشعشعات اتمی و رادیواکتیو

پ - جرمه یا جزای نقدی

ت - اثبات قصد زیان دیده در ایراد صدمه به خود مانند خودکشی، اسقاط جنین و نظایر آن و نیز اثبات هر

نوع خدعه و تبانی نزد مراجع قضائی

تبصره - در صورتی که در موارد بندهای (الف) و (ب) اختلافی وجود داشته باشد، معترض می تواند به مرجع قضائی صالح رجوع کند.

ماده ۱۸ - آیین نامه مربوط به تعیین سقف حق بیمه موضوع این قانون و نحوه تخفیف، افزایش یا تقسیط آن توسط بیمه مرکزی تهیه می شود و پس از تأیید شورای عالی بیمه به تصویب هیئت وزیران می رسد.

در آیین نامه مذکور باید عوامل زیر مدنظر قرار گیرد:

الف - ویژگی های وسیله نقلیه از قبیل نوع کاربری، سال ساخت و وضعیت ایمنی آن

ب - سوابق رانندگی و بیمه ای دارنده شامل نمرات منفی و تخلفات ثبت شده توسط نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران موضوع قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، خسارت های پرداختی توسط بیمه گر یا صندوق، بابت حوادث منتسب به وی

پ - رایج بودن استفاده از وسیله نقلیه برای اقشار متوسط و ضعیف شامل موتورسیکلت و خودروهای سواری ارزان قیمت

در آیین نامه موضوع این ماده باید ملاحظات اجتماعی در تعیین حق بیمه وسایل نقلیه پرکاربرد اقشار متوسط و ضعیف جامعه مدنظر قرار گیرد.

تبصره ۱ - بیمه مرکزی موظف است با همکاری نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ترتیبی اتخاذ کند که حداکثر تا پایان برنامه پنج ساله ششم توسعه، امکان صدور بیمه نامه شخص ثالث براساس ویژگی های «راننده» فراهم شود. تا آن زمان، سوابق رانندگی و بیمه ای شخصی که پلاک وسیله نقلیه به نام اوست و خسارت های پرداختی بابت حوادث منتسب به وی ملاک عمل است.

تبصره ۲ - در آیین نامه موضوع این ماده نحوه تخفیف یا افزایش در حق بیمه به صورت پلکانی و متناظر به تفکیک در مورد خسارات مالی و بدنی تعیین می شود.

تبصره ۳ - نرخ نامه حق بیمه موضوع این قانون در ابتدای هر سال با رعایت آیین نامه مصوب هیئت وزیران به وسیله بیمه مرکزی محاسبه و پس از تأیید شورای عالی بیمه، ابلاغ می شود. در جلسات شورای عالی بیمه برای تعیین نرخ نامه موضوع این تبصره دبیر کل اتحادیه (سندیکای) بیمه گران و دو نفر صاحب نظر به انتخاب اتحادیه (سندیکای) بیمه گران ایران با حق رأی شرکت می کنند. همچنین رئیس کل بیمه مرکزی در جلسات مذکور حق رأی دارد.

تبصره ۴ - شرکتهای بیمه می توانند تا دو و نیم درصد (۲/۵٪) کمتر از نرخهای مصوب شورای عالی بیمه را ملاک عمل خود قرار دهند. اعمال تخفیف بیشتر از دو و نیم درصد (۲/۵٪) توسط شرکتهای بیمه، منوط به کسب مجوز از بیمه مرکزی است. بیمه مرکزی در اعطای این مجوز باید توانگری مالی شرکت و شرایط عمومی بازار و حفظ رقابت پذیری شرکتهای بیمه را مدنظر قرار دهد. همچنین شرکتهای بیمه می توانند در صورت ارائه خدمات ویژه به مشتریان، با تأیید بیمه مرکزی تا دو و نیم درصد (۲/۵٪) بیش از قیمت های تعیین شده توسط بیمه مرکزی، از بیمه گذار دریافت کنند.

تبصره ۵ - شرکتهای بیمه موظفند در چهارچوب ضوابط مربوط نسبت به اعطای تخفیف به رانندگانی که دوره های آموزشی رانندگی ایمن و کم خطر را سپری نموده و موفق به اخذ گواهینامه مربوط شده اند، اقدام کنند. آیین نامه مربوط به این تبصره به پیشنهاد بیمه مرکزی و نیروی انتظامی به تصویب هیئت وزیران می رسد. ماده ۱۹ - هرگونه قصور یا تقصیر بیمه گر یا نماینده وی در صدور بیمه نامه موضوع این قانون رافع مسؤلیت بیمه گر نیست.

ماده ۲۰ - پوشش های بیمه موضوع این قانون محدود به قلمرو جمهوری اسلامی ایران است مگر آنکه در بیمه نامه به نحو دیگری توافق شده باشد.

❖ بخش سوم - حقوق و تعهدات صندوق

ماده ۲۱ - به منظور حمایت از زیان دیدگان حوادث ناشی از وسایل نقلیه، خسارت های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضای بیمه نامه، بطلان قرارداد بیمه، شناخته نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه، کسری پوشش بیمه نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه یا تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه یا صدور حکم توقف یا ورشکستگی بیمه گر موضوع ماده (۲۲) این قانون، قابل پرداخت نباشد، یا به طور کلی خسارت های بدنی که خارج از تعهدات قانونی بیمه گر مطابق مقررات این قانون است به استثنای موارد مصرح در ماده (۱۷)، توسط صندوق مستقلی به نام «صندوق تأمین خسارت های بدنی» جبران می شود.

تبصره ۱ - میزان تعهدات صندوق برای جبران خسارت های بدنی معادل مبلغ مقرر در ماده (۸) با رعایت تبصره ماده (۹) و مواد (۱۰) و (۱۳) این قانون است.

تبصره ۲ - تشخیص موارد خارج از تعهد بیمه گر مطابق مقررات این قانون، بر عهده شورای عالی بیمه است. تبصره ۳ - صندوق مکلف است هر شش ماه یکبار گزارش عملکرد خود را به کمیسیون اقتصادی مجلس ارائه کند.

ماده ۲۲ - در صورت تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه در رشته بیمه شخص ثالث و ناتوانی آن از پرداخت خسارت به زیان دیدگان، به تشخیص بیمه مرکزی یا شورای عالی بیمه، یا صدور حکم توقف یا ورشکستگی آن به وسیله دادگاه صالح، صندوق، خسارات بدنی که به موجب صدور بیمه نامه های موضوع این قانون به عهده بیمه گر است را پرداخته، پس از آن به قائم مقامی زیان دیدگان به بیمه گر مراجعه می کند.

تبصره ۱ - دادگاه مکلف است نسبت به صدور حکم انتقال اموال و دارایی های بیمه گر مذکور تا میزان مبالغ پرداختی و خسارات وارده به صندوق اقدام کند.

تبصره ۲ - در صورت تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه، پرداخت خسارات مالی که بر عهده شرکت بیمه مذکور است مشمول ماده (۴۴) قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه گری مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰ خواهد بود.

ماده ۲۳ - در صورتی که زیان دیده، جز در موارد بیمه اختیاری، تمام یا بخشی از خسارت بدنی وارده را از مراجع دیگری مانند سازمان بیمه های اجتماعی یا سازمان بیمه کارمندان دولت یا صندوق های ویژه جبران خسارت دریافت کند، نسبت به همان میزان حق مراجعه به صندوق را ندارد. سازمان ها و صندوق های ویژه مذکور حق مراجعه به صندوق و استرداد خسارت پرداخت شده به اشخاص ثالث را ندارند و مکلفند اطلاعات مربوط را در اختیار صندوق قرار دهند. در هر حال در صورتی که زیان دیده علاوه بر دریافت خسارت از سازمان ها و صندوق های ویژه مذکور از صندوق نیز خسارتی دریافت کند، صندوق حق استرداد دارد.

ماده ۲۴ - منابع مالی صندوق به شرح زیر است:

الف - هشت درصد (۸٪) از حق بیمه اجباری موضوع این قانون بر مبنای نرخنامه مذکور در تبصره (۳) ماده (۱۸) این قانون

ب - مبلغی معادل حداکثر یک سال حق بیمه اجباری که از دارندگان وسیله نقلیه ای که از انجام بیمه موضوع این قانون خودداری کنند وصول می شود.

میزان مبلغ مذکور، نحوه وصول، تخفیف، تقسیط و بخشودگی آن به پیشنهاد بیمه مرکزی به تصویب مجمع عمومی صندوق می رسد.

پ - مبالغ بازپافتی از مسببان حوادث، دارندگان وسایل نقلیه، بیمه گران و سایر اشخاصی که صندوق پس از جبران خسارت زیان دیدگان مطابق مقررات این قانون حسب مورد دریافت می کند.

ت - درآمد حاصل از سرمایه گذاری وجوه صندوق با رعایت ماده (۲۷) این قانون
 ث - بیست درصد (۲۰٪) از جریمه های وصولی راهنمایی و رانندگی در کل کشور
 ج - بیست درصد (۲۰٪) از کل هزینه های دادرسی و جزای نقدی وصولی توسط قوه قضائیه و تعزیرات
 حکومتی

چ - جریمه های موضوع بند (پ) ماده (۴)، ماده (۴۴) و بند (ت) ماده (۵۷) این قانون

ح - کمک های اعطائی از سوی اشخاص حقیقی یا حقوقی

تبصره ۱ - مدیر صندوق و هیئت نظارت مکلفند هر سه ماه یک بار گزارش عملکرد بند (پ) را به اعضای مجمع عمومی صندوق اعلام کنند.

تبصره ۲ - کلیه درآمدهای منابع موضوع بندهای (ث) و (ج) به محض تحقق به حساب درآمدهای اختصاصی صندوق نزد خزانه داری کل کشور واریز می شود و صددرصد (۱۰۰٪) آن به صندوق اختصاص می یابد.

تبصره ۳ - در صورت کمبود منابع مالی صندوق، دولت موظف است در بودجه سنواتی سال بعد کسری منابع صندوق را تأمین کند.

تبصره ۴ - درآمدهای صندوق مشمول مالیات به نرخ صفر بوده و از هرگونه عوارض معاف است. همچنین صندوق از پرداخت هزینه های دادرسی و اوراق و حق الاجرا معاف می باشد.

تبصره ۵ - صندوق می تواند با تصویب مجمع عمومی مربوط، حداکثر تا دو درصد (۲٪) از منابع مالی خود را جهت تعمیم امر بیمه، گسترش فرهنگ بیمه، ترغیب رانندگان فاقد بیمه نامه شخص ثالث به اخذ بیمه نامه و پیشگیری از زیانهای ناشی از حوادث رانندگی از طریق عقد قرارداد با وزارتخانه ها و دستگاه های اجرائی ذی ربط از قبیل سازمان صدا و سیما، وزارتخانه های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری، فرهنگ و ارشاد اسلامی و ورزش و جوانان اختصاص دهد.

تبصره ۶ - در آرای غیابی برای بازیافت خسارات موضوع بند (پ) این ماده، صندوق می تواند بدون سپردن تأمین یا تضمین موضوع تبصره (۲) ماده (۳۰۶) قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ نسبت به تقاضای اجرای احکام غیابی اقدام کند.

تبصره ۷ - دولت می تواند در بودجه های سنواتی بخشی از درآمدهای ناشی از فروش حامل های انرژی را به صندوق اختصاص دهد. در صورت تصویب به تناسب سهم صندوق از محل فروش بیمه نامه موضوع بند (الف) این ماده کاهش پیدا می کند.

ماده ۲۵ - صندوق مکلف است بدون اخذ تضمین از زیان دیده یا مسبب زیان، خسارت زیان دیده را پرداخت نموده و پس از آن مکلف است به شرح زیر به قائم مقامی زیان دیده از طریق مراجع قانونی وجوه پرداخت شده را بازیاقت کند:

الف - در صورتی که پرداخت خسارت به سبب نداشتن، انقضاء یا بطلان بیمه نامه باشد به مسبب حادثه رجوع می کند.

ب - در صورتی که پرداخت خسارت به سبب تعلیق یا لغو پروانه یا توقف یا ورشکستگی بیمه گر موضوع ماده (۲۲) این قانون باشد به بیمه گر و مدیران آن رجوع می کند.

پ - در صورتی که پرداخت خسارت به سبب شناخته نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه باشد، پس از شناخته شدن آن حسب مورد به مسبب حادثه یا بیمه گر وی رجوع می کند.

ت - در صورتی که پرداخت خسارت به سبب خارج از ظرفیت بودن سرنشینان داخل وسیله نقلیه مسبب حادثه باشد به مسبب حادثه رجوع می کند.

تبصره ۱ - در موارد زیر صندوق نمی تواند برای بازیاقت به مسبب حادثه رجوع کند:

۱ - در موارد جبران کسری پوشش بیمه نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه (پرداخت خسارت به استناد ماده (۱۳) این قانون)

۲ - تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه یا صدور حکم توقف یا ورشکستگی بیمه گر موضوع ماده (۲۲) این قانون.

۳ - در مواردی که زیان دیدگان خارج از وسیله نقلیه بیش از سقف تعهدات بیمه گر موضوع تبصره ماده (۱۲) این قانون باشند.

۴ - در مواردی که صندوق به موجب قانون معادل دیه مرد مسلمان را به زیان دیده یا قائم مقام قانونی وی پرداخت می کند برای بازپرداخت مابه التفاوت دیه شرعی با دیه مرد مسلمان تبصره ۲ - صندوق مجاز است با در نظر گرفتن شرایط و وضعیت وقوع حادثه، علت نداشتن بیمه نامه، سوابق بیمه ای مسبب حادثه، وضعیت مالی و معیشتی مسبب حادثه و سایر اوضاع و احوال مؤثر در وقوع حادثه نسبت به تقسیط یا تخفیف در بازپرداخت خسارت از مسبب حادثه اقدام کند. نحوه بازپرداخت از مسبب حادثه با رعایت مقررات راجع به نحوه اجرای محکومیت های مالی و میزان بازپرداخت مطابق آیین نامه ای است که بنا به پیشنهاد هیئت نظارت صندوق و مجمع عمومی صندوق به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می رسد.

ماده ۲۶ - اسناد مربوط به مطالبات و پرداخت های خسارت صندوق در حکم اسناد لازم الاجرا است و از طریق دوایر اجرای سازمان ثبت اسناد و املاک قابل مطالبه و وصول می باشد.

ماده ۲۷ - صندوق مجاز است موجودی نقدی مازاد خود را نزد بانکهای دولتی سپرده گذاری و یا اوراق بهادار بدون خطر (ریسک) خریداری کند مشروط بر آنکه سرمایه گذاری های مذکور به نحوی برنامه ریزی شود که همواره امکان انجام تعهدات صندوق وجود داشته باشد.

ماده ۲۸ - صندوق، نهاد عمومی غیردولتی است و چگونگی اداره آن براساس اساسنامه ای است که با رعایت موارد زیر و به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی تهیه می شود و ظرف مهلت شش ماه پس از لازم الاجرا شدن این قانون به تصویب هیئت وزیران می رسد:

الف - ارکان صندوق عبارتند از: مجمع عمومی، هیئت نظارت، مدیر صندوق و حسابرس

ب - اعضای مجمع عمومی صندوق عبارت از وزرای امور اقتصادی و دارایی به عنوان رئیس مجمع، تعاون، کار و رفاه اجتماعی، دادگستری و صنعت، معدن و تجارت، دادستان کل کشور (بدون حق رأی) و رئیس کل بیمه مرکزی است. مجمع عمومی صندوق حداقل یک بار در سال تشکیل می شود. مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده نیز به تقاضای هر یک از اعضاء به دعوت رئیس مجمع تشکیل می شود.

یکی از نمایندگان عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، به پیشنهاد کمیسیون مذکور و تصویب مجلس شورای اسلامی به عنوان عضو ناظر و بدون حق رأی در جلسات مجمع شرکت می کند. مدیر صندوق بدون حق رأی دبیر مجمع عمومی است.

پ - اعضای هیئت نظارت صندوق عبارت از نمایندگان وزرای امور اقتصادی و دارایی، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و دادگستری، دادستان کل کشور (بدون حق رأی)، بیمه مرکزی و اتحادیه (سندیکای) بیمه گران ایران است. اعضای هیئت نظارت غیر از مدیر صندوق به صورت غیرموظف خواهند بود؛

تبصره - نماینده وزیر امور اقتصادی و دارایی در هیئت نظارت، مدیر صندوق است که دبیر هیئت نظارت نیز خواهد بود. مدیرعامل ستاد مردمی رسیدگی به امور دیه و کمک به زندانیان نیازمند بدون حق رأی در جلسات هیئت نظارت شرکت می کند.

ت - مدیر صندوق به پیشنهاد رئیس کل بیمه مرکزی و تصویب مجمع عمومی انتخاب و با حکم رئیس مجمع عمومی برای مدت چهار سال منصوب می شود. انتخاب مجدد مدیر صندوق برای یک دوره بلامانع است. مجمع عمومی می تواند نسبت به عزل مدیر صندوق قبل از پایان مدت مذکور اتخاذ تصمیم کند.

ث - مرکز اصلی صندوق، تهران است. در صورت لزوم با تصویب مجمع عمومی می تواند در مراکز استان ها شعبه ایجاد یا نمایندگی اعطاء کند. اقامه دعوی علیه صندوق در محل استقرار شعب صندوق نیز ممکن است. وظایف و اختیارات مجمع عمومی، هیئت نظارت و مدیر صندوق و نیز نحوه انتخاب و وظایف و اختیارات حسابرس به موجب اساسنامه مصوب هیئت وزیران تعیین می شود.

ماده ۲۹ - کلیه اختلافات بین صندوق و شرکتهای بیمه که ممکن است در اجرای این قانون به وجود آید به وسیله هیئتی مرکب از دو نفر حقوقدان آشنا با حقوق بیمه به انتخاب وزیر دادگستری و سه متخصص بیمه

به انتخاب بیمه مرکزی، صندوق و اتحادیه (سندیکای) بیمه گران هر کدام یک نفر حل و فصل می شود. ملاک تصمیم گیری، رأی اکثریت اعضای هیئت است و رأی صادر شده لازم الاجرا می باشد. هریک از طرفین می تواند ظرف مدت بیست روز از ابلاغ رأی در مرجع قضائی ذی صلاح اقامه دعوی کند.

ماده ۳۰ - اشخاص ثالث زیان دیده حق دارند با ارائه مدارک لازم برای دریافت خسارت به طور مستقیم حسب مورد به شرکت بیمه مربوط و یا صندوق تأمین خسارت های بدنی مراجعه کنند. همچنین مسبب حادثه می تواند با ارائه مدارک لازم جهت تشکیل پرونده پرداخت خسارت به زیان دیده حسب مورد به بیمه گر یا صندوق مراجعه کند.

آیین نامه اجرائی این ماده توسط بیمه مرکزی تهیه می شود و به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ این قانون به تصویب هیئت وزیران می رسد.

❖ بخش چهارم - پرداخت خسارت

ماده ۳۱ - بیمه گر و صندوق حسب مورد مکلفند حداکثر پانزده روز پس از دریافت مدارک مورد نیاز، خسارت متعلقه را پرداخت کنند.

ماده ۳۲ - در حوادث منجر به خسارت بدنی، زیان دیده، اولیای دم یا وراث قانونی موظفند پس از قطعی شدن مبلغ خسارت برای تکمیل مدارک به منظور دریافت خسارت، به بیمه گر مراجعه کنند. بیمه گر مکلف است حداکثر ظرف مدت بیست روز از تاریخ قطعی شدن مبلغ خسارت، مبلغ خسارت را به زیان دیده پرداخت و در صورت عدم مراجعه وی در مهلت مذکور نزد صندوق تودیع و قبض واریز را به مرجع قضائی مربوط تحویل دهد. در این صورت تعهد بیمه گر و مسبب حادثه، ایفاء شده تلقی می شود. صندوق مکلف است بلافاصله پس از درخواست زیان دیده مبلغ مذکور را عیناً به وی پرداخت نماید.

تبصره ۱ - در مواردی که صندوق مطابق مقررات این قانون رأساً مکلف به پرداخت خسارت بدنی است، پس از قطعی شدن مبلغ خسارت چنانچه زیان دیده یا قائم مقام وی، تا بیست روز پس از ابلاغ اظهارنامه رسمی به وی برای دریافت خسارت به صندوق مراجعه نکند، مبلغ مذکور به عنوان امانت نزد صندوق باقی مانده و در زمان مراجعه زیان دیده یا قائم مقام قانونی وی عیناً پرداخت می شود.

تبصره ۲ - در مواردی که رأی صادر شده از دادگاه بدوی، صرفاً از جنبه عمومی مورد تجدیدنظرخواهی قرار گرفته باشد، زیان دیده یا وراث قانونی و بیمه گر یا صندوق باید طبق مفاد این ماده اقدام کنند.

تبصره ۳ - ملاک قطعی شدن میزان خسارت موضوع این ماده، قطعیت حکم دادگاه است.

ماده ۳۳ - چنانچه بیمه گر یا صندوق به رغم کامل بودن مدارک، تکلیف مقرر در ماده (۳۱) این قانون را انجام ندهند و در پرداخت خسارت تأخیر کنند و یا بیمه گر تکلیف مقرر در ماده (۳۲) این قانون را انجام ندهد، به پرداخت جریمه ای معادل نیم در هزار به ازای هر روز تأخیر در حق زیان دیده یا قائم مقام وی محکوم می شود.

ماده ۳۴ - در حوادث رانندگی منجر به خسارت بدنی غیر از فوت، در صورت مطالبه زیان دیده، پس از دریافت گزارش کارشناس راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه و یا کمیسیون جلوگیری از سوانح راه آهن موضوع تبصره (۲) ماده (۲) قانون دسترسی آزاد به شبکه حمل و نقل ریلی مصوب ۱۳۸۴/۷/۶ (در خصوص حوادث مربوط به قطارهای شهری و بین شهری) و پزشکی قانونی، بیمه گر وسیله نقلیه مسبب حادثه و یا صندوق، حسب مورد مکلفند بلافاصله حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) از دیه تقریبی را به اشخاص ثالث زیان دیده پرداخت کرده و باقی مانده آن را پس از معین شدن میزان قطعی دیه با رعایت مواد (۳۱) و (۳۲) این قانون بپردازند.

ماده ۳۵ - هزینه های معالجه اشخاص ثالث زیان دیده و راننده مسبب حادثه در صورتی که مشمول قانون دیگری نباشد، با لحاظ ماده (۳۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) حسب مورد برعهده بیمه گر مربوط یا صندوق است.

ماده ۳۶ - در حوادث منجر به فوت، در صورت مطالبه اولیای دم یا قائم مقام متوفی یا درخواست مسبب حادثه بدون نیاز به رأی مراجع قضائی، پس از دریافت گزارش کارشناس راهنمایی و رانندگی، کمیسیون جلوگیری از سوانح راه آهن موضوع تبصره (۲) ماده (۲) قانون دسترسی آزاد به شبکه حمل و نقل ریلی (در خصوص حوادث مربوط به قطارهای شهری و بین شهری) یا پلیس راه و در صورت لزوم گزارش سایر مقامات انتظامی و پزشکی قانونی بیمه گر وسیله نقلیه مسبب حادثه و یا صندوق حسب مورد می توانند خسارت بدنی را به ورثه قانونی متوفی با رعایت ماده (۳۱) این قانون بپردازند.

در صورت عدم مطالبه نیز، بیمه گر می تواند بدون نیاز به رأی مرجع قضائی خسارت بدنی را مطابق ماده (۳۲) این قانون به صندوق تودیع کند.

تبصره - چنانچه علی رغم وجود گزارش کارشناس راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه و یا کمیسیون جلوگیری از سوانح راه آهن (موضوع تبصره (۲) ماده (۲) قانون دسترسی آزاد به شبکه حمل و نقل ریلی) و نظر نهائی پزشکی قانونی، شرکت بیمه پرداخت خسارات بدنی را موکول به رأی دادگاه کند، پس از صدور رأی مکلف به پرداخت خسارات بدنی به قیمت یوم الاداء بوده و نمی تواند بابت مابه التفاوت خسارت پرداختی و میزان تعهد وی (موضوع ماده (۱۳) این قانون) به صندوق رجوع کند.

ماده ۳۷ - بیمه گر، صندوق یا مسبب حادثه به میزان درصد دیه ای که به زیان دیده پرداخت شده یا مطابق ماده (۳۲) این قانون و تبصره آن به صندوق تودیع شده است، بریءالذمه هستند.

ماده ۳۸ - هرگاه پس از اینکه بیمه گر یا صندوق به موجب این قانون خسارتی را پرداخت کند و به موجب حکم قطعی، برای پرداخت تمام یا بخشی از خسارت مسئول شناخته نشوند، بیمه گر یا صندوق می تواند به همان میزان به محکوم علیه حکم قطعی، رجوع کند.

ماده ۳۹ - در حوادث رانندگی منجر به خسارت مالی، پرداخت خسارت به صورت نقدی و با توافق زیان دیده و شرکت بیمه مربوط صورت می گیرد. در صورت عدم توافق طرفین در خصوص میزان خسارت قابل پرداخت، شرکت بیمه موظف است در صورت تقاضای زیان دیده، وسیله نقلیه خسارت دیده را در تعمیرگاه مجاز و یا تعمیرگاهی که مورد قبول زیان دیده باشد تعمیر نموده و هزینه های تعمیر را تا سقف تعهدات مالی مندرج در بیمه نامه مذکور پرداخت کند.

تبصره - در صورتی که اختلاف از طریق مذکور حل و فصل نشود، موضوع به یک ارزیاب خسارت (دارای مجوز ارزیابی خسارت از بیمه مرکزی) به انتخاب و هزینه زیان دیده ارجاع می شود. هر یک از طرفین ظرف مدت بیست روز از تاریخ اعلام نظر کتبی ارزیاب می توانند در مرجع صالح، اقامه دعوی کنند. در صورت عدم طرح دعوی توسط طرفین در مهلت مقرر نظر ارزیاب خسارت، قطعی و لازم الاجرا است. هزینه ارزیابی خسارت براساس تعرفه ای است که در ابتدای هر سال توسط بیمه مرکزی پیشنهاد و به تصویب شورای عالی بیمه می رسد. بیمه مرکزی موظف است در صدور مجوز ارزیابی خسارت به گونه ای عمل کند که در تمام شهرستان ها متناسب با نیاز آن شهرستان، ارزیاب خسارت وجود داشته باشد.

ماده ۴۰ - شرکتهای بیمه مکلفند خسارت مالی ناشی از حوادث رانندگی موضوع این قانون را در مواردی که وسایل نقلیه مسبب و زیان دیده در زمان حادثه دارای بیمه نامه معتبر بوده و بین طرفین حادثه اختلافی وجود نداشته باشد، حداکثر تا سقف تعهدات مالی مندرج در ماده (۸) این قانون بدون اخذ گزارش مقامات انتظامی پرداخت کنند.

❖ بخش پنجم - تکالیف سایر نهادها و دستگاه های مرتبط

ماده ۴۱ - به منظور ساماندهی امور مربوط به حوادث رانندگی، دولت مکلف است «سامانه جامع حوادث رانندگی» را مطابق مقررات این قانون با مشارکت همه دستگاه های ذی ربط ایجاد و نسبت به روزآمد کردن و تحلیل مستمر داده های آن اقدام کند.

نیروی انتظامی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (مراکز فوریت های پزشکی (اورژانس) و بیمارستان ها)، سازمان پزشکی قانونی و جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران موظفند اطلاعات مربوط به سوانح رانندگی را فوراً در سامانه مذکور ثبت کنند.

قوه قضائیه نیز مکلف است اطلاعات مربوط به آرای قضائی راجع به حوادث رانندگی را در سامانه مذکور قرار دهد.

دولت موظف است حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از لازم الاجرا شدن این قانون، سامانه مزبور را راه اندازی و دسترسی برخط (آنلاین) به آن را برای کلیه واحدهای نیروی انتظامی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، شرکتهای بیمه، صندوق و واحدهای قضائی فراهم کند.

تبصره - نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران موظف است همزمان با تعویض پلاک وسیله نقلیه، مشخصات مالک جدید را در «سامانه جامع حوادث رانندگی» درج کند. همچنین سازمان ثبت اسناد و املاک کشور نیز مکلف است اسناد تنظیم شده در خصوص وسایل نقلیه مانند نقل و انتقال، وکالت و رهن را در سامانه مذکور درج کند.

ماده ۴۲ - حرکت وسایل نقلیه موتوری زمینی بدون داشتن بیمه نامه موضوع این قانون ممنوع است. کلیه دارندگان وسایل مزبور مکلفند سند حاکی از انعقاد قرارداد بیمه را هنگام رانندگی همراه داشته باشند و در صورت درخواست مأموران راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه ارائه کنند. مأموران راهنمایی و رانندگی و پلیس راه موظفند از طرق مقتضی مانند دوربین های نظارت ترافیکی ضمن شناسایی وسایل نقلیه فاقد بیمه نامه نسبت به اعمال جریمه های مربوط اقدام کنند. همچنین مأموران راهنمایی و رانندگی و پلیس راه موظفند در صورت احراز فقدان بیمه نامه، وسایل نقلیه فاقد بیمه نامه موضوع این قانون را تا هنگام ارائه بیمه نامه مربوط در محل مطمئن متوقف کنند. آیین نامه مربوط به نحوه توقیف وسایل نقلیه فاقد بیمه نامه شخص ثالث ظرف مدت سه ماه پس از تصویب این قانون توسط وزارت کشور با همکاری وزارتخانه های راه و شهرسازی و دادگستری و بیمه مرکزی تهیه می شود و به تصویب هیئت وزیران می رسد.

تبصره - نیروی انتظامی مکلف است هر شش ماه یک بار گزارش اجرای این ماده را به دادستانی کل کشور، بیمه مرکزی و کمیسیون های قضائی و حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی ارسال کند.

ماده ۴۳ - بیمه مرکزی و شرکتهای بیمه موظفند ترتیبی اتخاذ کنند که با استفاده از ابزار مناسب، امکان شناسایی وسایل نقلیه فاقد بیمه نامه موضوع این قانون برای پلیس راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه فراهم شود.

ماده ۴۴ - دادن بار یا مسافر و یا ارائه هرگونه خدمات به دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی فاقد بیمه نامه شخص ثالث معتبر، از سوی شرکتها و مؤسسات حمل و نقل بار و مسافر درون شهری و برون شهری ممنوع است. نظارت بر حسن اجرای این ماده بر عهده وزارتخانه های کشور و راه و شهرسازی می باشد تا حسب مورد، شرکتها و مؤسسات متخلف را به مراجع مذکور در تبصره (۱) ماده (۳۱) قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی معرفی نمایند.

در صورت احراز تخلف شرکتها و مؤسسات مذکور توسط مراجع یادشده، پروانه فعالیت آنان از یک ماه تا یک سال معلق و در صورت تکرار تخلف یادشده برای بار چهارم به صورت دائم لغو می شود.

بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است امکان احراز اصالت بیمه نامه از طریق سامانه های الکترونیکی را به صورت برخط برای وزارتخانه های راه و شهرسازی و کشور فراهم کند.

تبصره - اعتراض به هر نوع تصمیمات مراجع دولتی موضوع تبصره (۱) ماده (۳۱) قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی در دیوان عدالت اداری رسیدگی می شود.

ماده ۴۵ - ارائه هرگونه خدمات به وسایل نقلیه فاقد بیمه نامه و رفع توقیف از آنها، توسط راهنمایی و رانندگی، دفاتر اسناد رسمی و سازمان ها و نهادهای مرتبط با امر حمل و نقل از قبیل تعویض پلاک وسیله

نقلیه، تنظیم اسناد رسمی معاملات وسایل مذکور ممنوع می باشد. عدم اجرای تکالیف فوق، حسب مورد تخلف اداری یا انتظامی محسوب می شود.

تبصره - انتقال وسایل نقلیه اسقاطی به مراجع و نهادهای ذی ربط و نیز انتقال وسایل نقلیه مشمول خسارت بیمه بدنه به بیمه گر مربوط، از حکم این ماده مستثنی است.

ماده ۴۶ - عقد هرگونه قرارداد حمل و نقل بار یا مسافر از سوی دستگاههای اجرائی و مؤسسات دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و مراکز آموزشی و کلیه اشخاص حقوقی در مواردی که به موجب قوانین و مقررات مربوطه مجاز می باشد با دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی فاقد بیمه نامه شخص ثالث معتبر، ممنوع است. عدم اجرای تکالیف فوق، حسب مورد تخلف اداری یا انتظامی محسوب می شود.

ماده ۴۷ - نیروی انتظامی مکلف است ظرف مدت یک سال از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون، کلیه واحدهای ثابت و سیار راهنمایی و رانندگی و پلیس راه را به ابزار لازم برای استعلام برخط وضعیت بیمه شخص ثالث وسایل نقلیه، تجهیز و سامانه مورد نیاز را طراحی یا تکمیل کند.

ماده ۴۸ - ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت مکلف است از صدور هرگونه کارت سوخت و تخصیص اولیه سهمیه یا ادامه آن برای وسایل نقلیه فاقد بیمه نامه خودداری کند.

تبصره - بیمه مرکزی و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مکلفند اطلاعات مربوط به وسایل نقلیه مذکور را به صورت برخط در اختیار ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت قرار دهند.

ماده ۴۹ - مراجع قضائی مکلفند در دعاوی مربوط به حوادث رانندگی، در صورت وجود بیمه نامه معتبر و مکفی و احراز اصالت آن، صرفاً متناسب با جنبه عمومی جرم برای راننده مسبب حادثه قرار تأمین صادر کنند. تبصره - عدم اجرای این ماده مستوجب مجازات انتظامی درجه سه موضوع ماده (۱۳) قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷ برای متخلف است. بیمه مرکزی مکلف است با رعایت مفاد ماده (۵۶) این قانون اطلاعات مربوط به بیمه نامه و بیمه گذاران را به نحوی در اختیار قوه قضائیه قرار دهد که امکان دسترسی مراجع قضائی برای بررسی اصالت بیمه نامه وجود داشته باشد.

ماده ۵۰ - کلیه مراجع قانونی رسیدگی به دعاوی مرتبط با حوادث رانندگی از قبیل دادسرا و دادگاه های رسیدگی کننده به دعاوی ناشی از حوادث موضوع این قانون مکلفند صندوق یا شرکت بیمه مربوط را در مواردی که صندوق یا شرکت بیمه، طرف دعوی نباشند از طرح دعوی علیه مسبب حادثه مطلع نموده، زمان تشکیل جلسات دادگاه را رسماً به آنان اطلاع دهند. همچنین دادگاه مکلف است پس از صدور رأی، نسخه ای از رأی صادرشده را به آنها ابلاغ کند. در این موارد، بیمه گر یا صندوق می توانند با رعایت مقررات قانون آیین دادرسی مدنی نسبت به خسارات بدنی و مالی در دعوی واردشده یا پس از صدور رأی قطعی مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی اعتراض ثالث کنند.

تبصره ۱ - اعتراض ثالث شرکت بیمه یا صندوق مانع از اجرای حکم نیست.

تبصره ۲ - عدم اعلام مراتب طرح دعاوی مرتبط با حوادث رانندگی موضوع این قانون حسب مورد به بیمه گر مربوط یا صندوق یا عدم ابلاغ رأی به آنها مستوجب مجازات انتظامی درجه سه موضوع ماده (۱۳) قانون نظارت بر رفتار قضات است.

ماده ۵۱ - طرح دعاوی واهی موضوع تبصره ماده (۱۰۹) قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) در دعاوی راجع به حوادث رانندگی توسط صندوق یا بیمه گر - اعم از اینکه به صورت ورود ثالث یا اعتراض ثالث یا تجدیدنظرخواهی باشد - در صورتی که منجر به تأخیر در پرداخت خسارت شود، مشمول ماده (۳۳) این قانون می شود.

ماده ۵۲ - قوه قضائیه مکلف است تا پایان پانزدهم اسفند هر سال میزان ریالی دیه موضوع ماده (۵۴۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ را تعیین و برای اجرا از ابتدای سال بعد اعلام کند.

ماده ۵۳ - ادارات راهنمایی و رانندگی و پلیس راه حسب مورد مکلفند علاوه بر ثبت جزئیات حادثه در «سامانه جامع حوادث رانندگی»، نسخه ای از آن را به زیان دیده و مسبب حادثه تسلیم نموده، رسید دریافت نمایند.

عدم اجرای تکلیف مذکور مستوجب مجازات مقرر برای لغو دستور موضوع ماده (۳۸) قانون جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹ است.

ماده ۵۴ - نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مکلف است ظرف مدت سه ماه از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون ترتیبی اتخاذ کند که امکان دسترسی به بانکهای اطلاعاتی آن نیرو در ارتباط با موضوعات مورد نیاز از قبیل مشخصات وسایل نقلیه و دارندگان آنها و گواهینامه های صادر شده و همچنین سوابق تخلفات و تصادفات رانندگان، از طریق سامانه های الکترونیکی به صورت برخط برای مراجع قضائی، صندوق و بیمه مرکزی فراهم شود. اخذ گواهینامه نیازمند کارت پایان خدمت و معافیت سربازی نیست.

ماده ۵۵ - شرکتهای بیمه مجاز به فعالیت در رشته بیمه موضوع این قانون مکلفند ظرف مدت سه ماه از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون با استفاده از سامانه های الکترونیکی امکان دسترسی به کلیه اطلاعات مورد نیاز بیمه مرکزی در رابطه با بیمه نامه های صادر شده و خسارت های مربوط به آنها را به صورت برخط برای بیمه مرکزی فراهم کنند.

ماده ۵۶ - بیمه مرکزی مکلف است ظرف مدت شش ماه از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون ترتیبی اتخاذ کند که امکان دسترسی به اطلاعات مذکور در مواد (۵۴) و (۵۵) این قانون برای کلیه مراجع قضائی، شرکتهای بیمه ذی ربط، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و صندوق فراهم شود.

ماده ۵۷ - بیمه مرکزی بر حسن اجرای این قانون نظارت نموده و در صورت قصور یا تخلف هر یک از شرکتهای بیمه در اجرای قانون، اقدامات زیر را به عمل می آورد. اعمال موارد زیر متناسب با نوع قصور یا تخلف و تعدد و تکرار آن به موجب آیین نامه ای است که به پیشنهاد بیمه مرکزی و تأیید شورای عالی بیمه به تصویب هیئت وزیران می رسد:

الف - توییح کتبی مدیران شرکت بیمه

ب - سلب صلاحیت حرفه ای مسئول فنی یا مدیر یا معاون فنی یا مدیرعامل یا هیئت مدیره شرکت بیمه، برای حداکثر پنج سال با تأیید شورای عالی بیمه

پ - سلب صلاحیت افراد موضوع بند (ب) به طور دائم با تأیید شورای عالی بیمه

ت - محکوم نمودن شرکت بیمه به پرداخت جریمه نقدی حداکثر تا مبلغ بیست برابر حداقل تعهدات بدنی موضوع ماده (۸) این قانون در زمان پرداخت

ث - تعلیق فعالیت شرکت بیمه در یک یا چند رشته بیمه برای حداکثر یک سال با تأیید شورای عالی بیمه

ج - لغو پروانه فعالیت در یک یا چند رشته بیمه به طور دائم با تأیید شورای عالی بیمه

تبصره ۱ - در مورد بندهای (ت)، (ث) و (ج) این ماده، بیمه مرکزی نظر مشورتی و تخصصی اتحادیه بیمه گران ایران را قبل از اتخاذ تصمیم، اخذ می کند. چنانچه اتحادیه ظرف مدت پانزده روز از تاریخ دریافت نامه بیمه مرکزی، کتباً نظر خود را اعلام نکند بیمه مرکزی رأساً اقدام می کند.

تبصره ۲ - در صورت سلب صلاحیت اکثریت هیئت مدیره شرکت بیمه حسب اعلام بیمه مرکزی، بیمه مرکزی با تأیید شورای عالی بیمه می تواند برای اداره امور شرکت فرد واجد شرایطی را به عنوان سرپرست شرکت بیمه تا زمان تعیین و تأیید اعضای جدید هیئت مدیره منصوب کند. صاحبان سهام شرکت بیمه (مجمع) موظفند حداکثر ظرف مدت یک ماه اعضای هیئت مدیره جدید خود را معرفی کنند تا پس از تأیید توسط بیمه مرکزی جایگزین اعضای قبلی سلب صلاحیت شده شوند و براساس قانون تجارت شرکت را اداره کنند. سرپرست جدید منصوب تا زمان جایگزینی اعضای هیئت مدیره جدید دارای اختیارات هیئت مدیره شرکت است و مسئولیت کلیه اقدامات او برعهده بیمه مرکزی است. حقوق و مزایای سرپرست منصوب تا تعیین مدیرعامل که حداکثر سه ماه می باشد توسط بیمه مرکزی پیشنهاد و پس از تصویب مجمع شرکت به سرپرست منصوب پرداخت می شود.

تبصره ۳ - جریمه موضوع بند (ت) این ماده به حساب اختصاصی صندوق نزد خزانه داری کل واریز و با پیش بینی در بودجه های سنوالتی به صندوق مذکور تخصیص داده می شود. عدم پرداخت جریمه از سوی شرکت بیمه در حکم تصرف غیرقانونی در وجوه عمومی است.

تبصره ۴ - نحوه وصول، تخفیف و یا بخشودگی جرمه موضوع بند (ت) این ماده به موجب آیین نامه ای است که ظرف مدت شش ماه از تاریخ ابلاغ این قانون به پیشنهاد بیمه مرکزی پس از تأیید شورای عالی بیمه به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می رسد.

تبصره ۵ - رسیدگی به اعتراض شرکتهای بیمه در خصوص تصمیم بیمه مرکزی یا شورای عالی بیمه مبنی بر اعمال مجازات های مندرج در این ماده (به جز بند «الف») برعهده کمیسیونی متشکل از یک نفر قاضی دادگستری با انتخاب رئیس قوه قضائیه (به عنوان رئیس کمیسیون)، نماینده بیمه مرکزی و یک نفر نماینده اتحادیه (سندیکای) بیمه گران می باشد. تصمیم گیری کمیسیون مذکور با اکثریت آرای اعضاء، لازم الاجرا و ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ حسب مورد قابل اعتراض در مرجع قضائی ذی صلاح است. دبیرخانه این کمیسیون در بیمه مرکزی مستقر می باشد.

ماده ۵۸ - بیمه مرکزی مکلف است مطابق مقررات مربوط بر اجرای تعهدات شرکتهای بیمه و نحوه محاسبه ذخایر آنها در رشته بیمه شخص ثالث نظارت نموده و از کفایت ذخایر مذکور جهت ایفای تعهدات آتی شرکتهای بیمه اطمینان حاصل کند. شرکتهای بیمه مکلفند ذخایر تأیید شده از سوی بیمه مرکزی را در دفاتر و صورتهای مالی خود، مطابق دستورالعمل بیمه مرکزی ثبت کنند.

❖ بخش ششم - مقررات کیفری

ماده ۵۹ - عدم پرداخت حقوق قانونی صندوق از سوی بیمه گر یا نمایندگی آنان، مصرف درآمدهای صندوق در غیر از موارد مصرح قانونی و همچنین عدم اجرای تکالیف مقرر در مواد (۴۵) و (۴۶) و (۴۸) این قانون علاوه بر تخلف اداری یا انتظامی در حکم دخل و تصرف در وجوه عمومی است.

ماده ۶۰ - فروش هر نوع بیمه نامه یا مبادرت به عملیات بیمه گری یا نمایندگی بیمه بدون مجوز قانونی، در حکم کلاهبرداری است و مرتکب علاوه بر مجازات کلاهبرداری، ضامن جبران خسارت وارده حسب مورد به زیان دیده یا صندوق به نرخ روز جبران می باشد.

ماده ۶۱ - هرکس با انجام اعمال متقلبانه مانند صحنه سازی صوری تصادف، تعویض خودرو یا ایجاد خسارت عمدی، وجوهی را بابت خسارت دریافت کند، به حبس تعزیری درجه شش و جزای نقدی معادل دو برابر وجوه دریافتی محکوم می شود. شروع به جرم مندرج در این ماده علاوه بر مجازات مقرر برای شروع به جرم در قانون مجازات اسلامی، مستوجب جزای نقدی درجه پنج می باشد.

ماده ۶۲ - هرگاه شخصی برخلاف واقع خود را به عنوان راننده وسیله نقلیه مسبب حادثه معرفی کند به مجازات حبس درجه هفت محکوم می شود؛ راننده نیز چنانچه در این امر تبانی کرده باشد به مجازات مذکور محکوم می شود.

ماده ۶۳ - در صورتی که مسئولیت مسبب حادثه مشمول تعهدات بیمه گر باشد، جز در موارد مصرح در ماده (۱۵) این قانون، مقررات مربوط به نحوه اجرای محکومیت های مالی در خصوص وی قابل اجرا نیست.

❖ بخش هفتم - مقررات نهائی

ماده ۶۴ - کلیه آیین نامه های اجرائی این قانون جز در مواردی که به نحو دیگری مقرر شده است، ظرف مدت یک سال از تاریخ ابلاغ آن توسط بیمه مرکزی و شورای عالی بیمه تهیه می شود و پس از تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیئت وزیران می رسد. مادامی که آیین نامه های مذکور، تهیه و تصویب نشده است، آیین نامه های اجرائی موجود، در حدودی که مغایر این قانون نباشد معتبر است.

ماده ۶۵ - بیمه نامه های صادره پیش از لازم الاجرا شدن این قانون مشمول قانون زمان صدور خود هستند لکن در هر حال احکام بندهای (الف) و (ب) ماده (۴)، مواد (۱۱)، (۱۹)، (۲۲)، (۲۵)، (۳۰) و ماده (۳۲) و تبصره

های آن، مواد (۳۶)، (۳۷)، (۳۸)، (۴۹)، (۵۰) و (۶۰) در مورد بیمه نامه هایی که هنوز خسارات تحت پوشش آنها پرداخت نشده نیز لازم الرعایه است.

ماده ۶۶ - از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون، «قانون اصلاح قانون بیمه مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷» نسخ می شود. هرگونه نسخ یا اصلاح مواد این قانون باید صریحاً در قوانین بعدی قید شود.

قانون فوق مشتمل بر شصت و شش ماده و پنجاه و پنج تبصره در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ بیستم اردیبهشت ماه یک هزار و سیصد و نود و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۳۹۵/۲/۲۹ به تأیید شورای نگهبان رسید.

سؤالات قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه

۱- شخص «الف» که دارای بیمه نامه ثالث است، در حین رانندگی، با شخص «ب» (عابر) تصادف می کند و عابر مصدوم می شود. به فرض اینکه راننده اتومبیل هیچ گونه تقصیری مرتکب نشده باشد و خسارت صد درصد ناشی از تقصیر عابر، به دلیل عدم رعایت مقررات مربوط به عبور از راهها و محل های مخصوص باشد. در خصوص جبران خسارت عابر از طریق بیمه شخص ثالث، کدام مورد صحیح است؟ (وکالت ۹۶)

۱) بیمه گر تنها در صورتی مکلف به جبران خسارت است که دارنده اتومبیل بابت بیمه حوادث، حق بیمه جداگانه ای پرداخته باشد.

۲) بیمه گر مکلف است در حدود تعهدات خود، تمام خسارات زیان دیده (عابر) را جبران کند.

۳) به دلیل تقصیر زیان دیده (عابر)، وی از جبران بخشی از خسارت محروم می شود.

۴) چون خسارت، ناشی از اقدام خود زیان دیده (عابر) است و دارنده اتومبیل مسئولیت مدنی ندارد، بیمه گر هم تکلیفی به پرداخت خسارت ندارد.

☑ پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

۲- صغیری در حادثه رانندگی، باعث صدمه بدنی شخص ثالث شده است. جبران خسارت زیان دیده به کدام صورت است؟ (ارشد سراسری ۹۵)

۱) در صورت بیمه بودن وسیله نقلیه، خسارت توسط شرکت بیمه و در غیر این صورت، توسط صندوق تأمین خسارات بدنی پرداخت می شود.

۲) به دلیل اینکه راننده فاقد گواهینامه است، از شمول بیمه نامه خارج است و زیان دیده باید به دارنده وسیله نقلیه موتوری رجوع کند.

۳) صرف از اینکه وسیله نقلیه بیمه باشد یا خیر، خسارت تماماً توسط صندوق خسارات بدنی پرداخت و سپس نسبت به کل یا جزء آن، به مقصر حادثه رجوع می شود.

۴) اگر وسیله نقلیه بیمه باشد، خسارت توسط شرکت بیمه و اگر بیمه نباشد، توسط عاقله فرد مقصر پرداخت می شود.

☑ پاسخ: گزینه ۱ صحیح است. مواد ۱۵، ۲۱، ۲۵ قانون بیمه اجباری

۳- در حوادث رانندگی، چنانچه زیان دیده زن باشد و فوت شود، با فرض معلوم بودن بیمه گر و عدم شکستگی او، کدام مورد در خصوص مسئولیت بیمه گر و صندوق تأمین خسارت بدنی، صحیح است؟ (وکالت ۹۴)

۱) حتی اگر وسیله نقلیه دارای بیمه شخص ثالث باشد، پرداخت معادل دیه کامل مرد، به عهده صندوق است.

۲) پرداخت معادل یک دیه کامل مرد بر عهده بیمه گر است، صندوق در صورت بیمه نبودن وسیله نقلیه، دیه پرداخت می کند.

۳) پرداخت معادل دیه کامل مرد به عهده بیمه گر است و بیمه گر نسبت به نصف آن، حق رجوع به صندوق دارد.

۴) پرداخت نصف دیه کامل مرد به عهده بیمه گر و نصف دیگر آن، به عهده صندوق است.

☑ پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

۴- در مورد شمول مقررات ورشکستگی بر شرکت های بیمه کدام گزینه صحیح است؟ (وکالت ۹۲)

۱) فقط بیمه های خصوصی مشمول مقررات ورشکستگی هستند.

۲) بیمه ها مشمول مقررات ورشکستگی هستند.

۳) بیمه ها مشمول مقررات ورشکستگی نیستند.

۴) فقط بیمه های دولتی که خصوصی سازی شده اند از شمول مقررات ورشکستگی خارج هستند.

☑ پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

۵_ آقای «الف» با وجود اطلاع از علائم راهنمایی و رانندگی منصوب شده در سواره رو، شتابان و با کمال سهل انگاری از غیر محل خط کشی شده مخصوص عابران عبور می کند. آقای «ب» که در آن مسیر در حال رانندگی با خودروی سواری است و بیمه نامه شخص ثالث دارد، با رعایت کامل قوانین و مقررات و بدون این که هیچ گونه تقصیری مرتکب شده باشد و حتی قادر به جلوگیری از تصادف باشد با آقای «الف» برخورد می کند و در نتیجه آقای «الف» مصدوم می شود. در این حادثه چه شخصی مسئول پرداخت خسارات بدونی وارد شده به آقای «الف» است؟ (وکالت ۹۱)

۱) بیمه گر مسئولیت، در حدود تعهدات موضوع بیمه نامه مکلف به جبران خسارت آقای «الف» است.
 ۲) با توجه به تقصیر آقای «الف» بیمه اگر مسئولیت تنها مکلف به پرداخت پنجاه درصد از خسارت وارد شده به آقای «الف» است و مابقی با توجه به ماده ۲۶۵ قانون مجازات اسلامی به دلیل تقصیر خود وی قابل جبران نیست.

۳) با توجه به تقصیر آقای «الف» موضوع مشمول قاعده اقدام خواهد بود و هیچ شخص در مقابل او مسئول جبران خسارت نیست.

۴) با عنایت به این که آقای «ب» مرتکب هیچ تقصیری نشده است، در نتیجه بیمه گر وی نیز در این زمینه تکلیفی به پرداخت خسارت ندارد و خسارات بدنی آقای «الف» از محل صندوق تأمین خسارت های بدنی موضوع بیمه اجباری سال ۱۳۸۷ (در حدود تعهدات آن صندوق) جبران خواهد شد.

☑ پاسخ: گزینه ۱ صحیح است. با توجه به قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ گزینه ۱ صحیح می باشد.

۶_ اتومبیلی با سرعت غیرمجاز در حال حرکت است. شخصی عمداً خود را در مسیر اتومبیل انداخته و مصدوم می شود. جبران خسارت بر عهده چه کسی است؟ (وکالت ۸۸)

۱) بر عهده خود مصدوم است و راننده مسئولیتی ندارد.

۲) مسئولیت بین دو نفر به تساوی تقسیم می شود.

۳) مسئولیت به نسبت میزان دخالت هر یک از طرفین بین آنها تقسیم می شود.

۴) راننده مسئول است چون سرعت غیرمجاز داشته است.

☑ پاسخ: گزینه ۱ صحیح است. طبق بند ت ماده ۱۷ قانون بیمه اجباری ۱۳۹۵.

۷_ درحوادث رانندگی وسایل نقلیه موتوری زمینی، بیمه گر یا صندوق تأمین خسارت های بدنی، مکلفند خسارت بدنی وارد به شخص را به چه قیمتی پرداختی کنند؟

۱) قیمت یوم الاء

۲) قیمت روز صدور حکم

۳) قیمت روز ورود صدمه

۴) قیمت توافقی

☑ پاسخ: گزینه ۱ صحیح است. ماده ۱۳ قانون بیمه اجباری.

۸_ درج کدام یک از شرایط زیر در بیمه نامه وسایل نقلیه، صحیح است؟

۱) شرط تعلیق تعهدات بیمه گر در قرارداد بیمه

۲) شرطی که به موجب آن زیان دیده مزایایی بیشتر از مزایای مندرج در قانون بیمه اجباری مصوب ۹۵ مقرر می کند.

۳) شرطی که به موجب آن برای دیده مزایایی بیشتر از مزایای مندرج در قانون بیمه اجباری مصوب ۹۵ مقرر می کند.

۴) شرطی که به موجب آن برای بیمه گذار، مزایای کمتر از مزایای مندرج در قانون بیمه اجباری مصوب ۹۵ مقرر می کند.

☑ پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. ماده ۱۱ قانون بیمه اجباری.

۹_ کدام مورد از شمول بیمه دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی خارج است؟

(۱) خسارت بدنی وارده به راننده مسبب حادثه

(۲) خسارت وارده به وسیله نقلیه مشخص ثالث

(۳) خسارت وارده به وسیله نقلیه مسبب حادثه و محمولات آن

(۴) هیچ کدام

☑ پاسخ: گزینه ۳ صحیح است. ماده ۱۷ قانون بیمه اجباری

۱۰_ اگر به واسطه تصادف وسیله نقلیه موتوری خسارتی وارد شود، زیان دیده به کدام روش می تواند جبران

خسارت را بخواهد؟

(۱) رجوع به راننده وسیله نقلیه

(۲) رجوع به متصرف وسیله نقلیه

(۳) رجوع به دارنده وسیله نقلیه

(۴) همه موارد

☑ پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

ماده ۲ قانون بیمه اجباری و تبصره آن

قانون روابط موجر و مستأجر - ۵۶

مصوب ۱۳۵۶/۵/۲

❖ فصل اول: کلیات

ماده ۱ - هر محلی که برای سکنی یا کسب یا پیشه یا تجارت یا به منظور دیگری اجاره داده شده یا بشود در صورتی که تصرف متصرف بر حسب تراضی با موجر یا نماینده قانونی او به عنوان اجاره یا صلح منافع و یا هر عنوان دیگری به منظور اجاره باشد اعم از اینکه نسبت به مورد اجاره سند رسمی یا عادی تنظیم شده یا نشده باشد، مشمول مقررات این قانون است.

نکته ۱:

قرارداد اجاره محل برای کسب، پیشه یا تجارت که قبل از سال ۵۶ منعقد گشته است نیز تابع قانون سال ۵۶ می باشد. (رای وحدت رویه شماره ۹۵ مورخ ۱۳۵۶/۷/۱۰)

نکته ۲:

شغل وکالت شغل تجاری محسوب نمی شود، از اینرو دفتر وکالت دادگستری از مصادیق محل کسب و پیشه و تجارت و مشمول قانون روابط موجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۵۶ قرار نمی گیرد.

ماده ۲ - موارد زیر مشمول مقررات این قانون نمی باشد:

۱. تصرف ناشی از معاملات با حق استرداد یا معاملات رهنی
۲. اراضی مزروعی محصور و غیر محصور و توابع آنها و باغ‌هایی که منظور اصلی از اجاره بهره‌برداری از محصول آنها باشد.
۳. ساختمانها و محلهایی که به منظور سکونت عرفاً به طور فصلی برای مدتی که از ششماه تجاوز نکند اجاره داده می شود
۴. کلیه واحدهای مسکونی واقع در محدوده خدماتی شهرها و در شهرک‌ها که گواهی خاتمه ساختمانی آنها از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون معاملات زمین مصوب سال ۱۳۵۴ صادر شده می شود.
۵. خانه‌های سازمانی و سایر محلهای مسکونی که از طرف وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت یا اشخاص، اعم از حقیقی یا حقوقی به مناسبت شغل در اختیار و استفاده کارکنان آنها قرار می‌گیرد. در این مورد رابطه متصرف با سازمان یا اشخاص مربوط تابع قوانین و مقررات مخصوص به خود یا قرارداد فی‌مابین می‌باشد. هرگاه متصرف خانه یا محل سازمانی که به موجب مقررات یا قرارداد مکلف به تخلیه محل سکونت باشد از تخلیه خودداری کند بر حسب مورد از طرف دادستان یا رئیس دادگاه بخش مستقل به او اخطار می شود که ظرف یک ماه محل را تخلیه نماید در صورت امتناع به دستور همان مقام محل مزبور تخلیه شده و تحویل سازمان یا مؤسسه یا اشخاص مربوط داده می شود
۶. واحدهای مسکونی که پس از اجرای این قانون به اجاره واگذار گردد.

❖ فصل دوم: میزان اجاره بها و ترتیب پرداخت آن

ماده ۳ - در مواردی که اجاره‌نامه تنظیم شده باشد میزان اجاره بها همان است که در اجاره‌نامه قید شده و هرگاه اجاره نامه تنظیم نشده باشد به میزانی است که بین طرفین مقرر یا عملی شده است و در صورتی که میزان آن معلوم نشود با رعایت مقررات این قانون از طرف دادگاه میزان اجاره بها به نرخ عادلانه روز تعیین می‌شود.

ماده ۴ - موجر یا مستأجر می‌تواند به استناد ترقی یا تنزل هزینه زندگی درخواست تجدیدنظر نسبت به میزان اجاره بها را بنماید، مشروط به اینکه مدت اجاره منقضی شده و از تاریخ استفاده مستأجر از عین مستأجره یا از تاریخ مقرر در حکم قطعی که بر تعیین یا تعدیل اجاره‌بها صادر شده سه سال تمام گذشته باشد، دادگاه با جلب نظر کارشناس اجاره‌بها را به نرخ عادلانه روز تعدیل خواهد کرد حکم دادگاه در این مورد قطعی است.

ماده ۵ - موجر می‌تواند مابه‌التفاوت اجاره‌بها را ضمن دادخواست تعدیل نیز مطالبه نماید. در این صورت دادگاه ضمن صدور حکم راجع به تعدیل، مستأجر را به پرداخت مابه‌التفاوت از تاریخ تقدیم دادخواست تا روز صدور حکم، محکوم می‌نماید. دایره اجرا مکلف است خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ قطعیت تا تاریخ اجرای حکم را به فرار دوازده درصد در سال احتساب و از مستأجر وصول و به موجر بپردازد مستأجر نیز می‌تواند ضمن تقاضای تعدیل اجاره بها مابه‌التفاوت پرداخت شده را به انضمام خسارت تأخیر تأدیه به شرح فوق درخواست کند.

تبصره - مقررات این ماده در مواردی که دادگاه حکم به تعیین اجاره‌بها صادر می‌نماید نیز جاری خواهد بود.
ماده ۶ - مستأجر مکلف است در موعد معین در اجاره‌نامه اجرت‌المسمی و پس از انقضاء مدت اجاره اجرت‌المثل را به میزان اجرت‌المسمی آخر هر ماه اجاری ظرف ده روز به موجر یا نماینده قانونی او بپردازد و هرگاه اجاره نامه‌ای در بین نباشد اجاره‌بها را به میزانی که بین طرفین مقرر و یا عملی شده و در صورتی که میزان آن معلوم نباشد به عنوان اجرت‌المثل مبلغی که متناسب با اجاره املاک مشابه تشخیص می‌دهد برای هر ماه تا دهم ماه بعد به موجر یا نماینده قانونی او پرداخت یا در صندوق ثبت و یا بانکی که از طرف سازمان ثبت تعیین می‌شود سپرده و قبض رسید را اگر اجاره‌نامه رسمی است به دفترخانه تنظیم کننده سند هرگاه اجاره‌نامه عادی بوده یا اجاره‌نامه‌ای در بین نباشد قبض رسید را با تعیین محل اقامت موجر به یکی از دفاتر رسمی نزدیک ملک تسلیم و رسید دریافت دارد. دفترخانه باید منتهی ظرف ده روز بوسیله اداره ثبت محل مراتب را به موجر یا نماینده قانونی او اخطار کند که برای دریافت وجه تودیع شده با دفترخانه مزبور مراجعه نماید.

❖ فصل سوم: در تنظیم اجاره‌نامه

ماده ۷ - در مواردی که بین موجر و کسی که ملک را به عنوان مستأجر در تصرف دارد اجاره‌نامه تنظیم نشده یا اگر تنظیم شده مدت آن منقضی گشته طرفین راجع به تنظیم اجاره‌نامه با تعیین اجاره‌بها و شرایط آن اختلاف داشته باشند هر یک می‌تواند برای تعیین اجاره‌بها (در مواردی که اجاره‌نامه در بین نباشد) و تنظیم اجاره‌نامه به دادگاه مراجعه کند. دادگاه میزان اجاره‌بها را از تاریخ تقدیم دادخواست تعیین می‌کند، ولی این امر مانع صدور حکم نسبت به اجرت‌المثل زمان قبل از تقدیم دادخواست و خسارت تأخیر تأدیه آن نخواهد بود.

تبصره ۱ - هرگاه از طرف موجر تقاضای تخلیه عین مستأجره شده باشد رسیدگی به درخواست تنظیم اجاره‌نامه از طرف مستأجر متوقف بر خاتمه دادرسی در موضوع تخلیه خواهد بود این حکم در موردی که از طرف مالک درخواست خلع ید از ملک شده باشد نیز جاری است.

ماده ۸ - دادگاه شرایط اجاره‌نامه جدید را طبق شرایط مرسوم و متعارف در اجاره‌نامه‌ها و شرایط مندرج در اجاره‌نامه سابق (در صورتی که قبلاً اجاره‌نامه تنظیم شده باشد) با رعایت مقررات این قانون تعیین خواهد کرد.

ماده ۹ - در تمام مدتی که دادرسی در جریان است مستأجر باید طبق ماده ۶ این قانون و شرایط قبلی مال‌الاجاره را بپردازد و از تاریخ ابلاغ حکم قطعی طرفین مکلفند ظرف یک ماه به ترتیب مقرر در حکم، اجاره‌نامه تنظیم کنند.

هرگاه در این مدت اجاره‌نامه تنظیم نشود به تقاضای یکی از طرفین دادگاه رونوشت حکم را جهت تنظیم اجاره‌نامه به دفتر اسناد رسمی ابلاغ و به طرفین اخطار می‌کند که در روز و ساعت معین برای امضای اجاره‌نامه در دفترخانه حاضر شوند. هرگاه موجر حاضر به امضای اجاره‌نامه نشود نماینده دادگاه اجاره‌نامه را به مدت یک سال از طرف او امضا خواهد کرد و اگر مستأجر تا ۱۵ روز از تاریخ تعیین شده حاضر به امضا نشود دادگاه در صورتی که عذر مستأجر را موجه نداند به تقاضای موجر حکم به تخلیه عین مستأجره صادر می‌کند و این حکم قطعی است.

ماده ۱۰ - مستأجر نمی‌تواند منافع مورد اجاره را کلاً یا جزئاً یا به نحو اشاعه به غیر انتقال دهد یا واگذار نماید مگر اینکه کتباً این اختیار به او داده شده باشد. هرگاه مستأجر تمام یا قسمتی از مورد اجاره را به غیر اجاره دهد مالک می‌تواند در صورت انقضای مدت یا فسخ اجاره درخواست تنظیم اجاره‌نامه با هر یک از مستأجرین را بنماید.

در صورتی که مستأجر حق انتقال مورد اجاره را به غیر داشته باشد هر یک از مستأجرین نیز می‌تواند در صورت فسخ و یا انقضای مدت اجاره اصلی درخواست تنظیم اجاره‌نامه را با مالک یا نماینده قانونی او بنمایند.

نکته:

ماده ۱۰ قانون روابط موجر و مستأجر اصل بر این است که مستأجر نمی‌تواند عین مورد اجاره را به غیر انتقال دهد مگر اینکه کتباً این اختیار را داشته باشد بر خلاف ماده ۴۷۴ ق.م. که اصل بر انتقال پذیری مورد اجاره است مگر اینکه خلاف آن شرط شده باشد.

نکته ۲:

در صورتیکه مستأجر بدون داشتن حق انتقال به غیر آن را انتقال دهد موجر حق فسخ دارد (بند ۱ ماده ۱۴ ق.م.م. ۵۶)

ماده ۱۱ - دفاتر اسناد رسمی مکلفند علاوه بر نکاتی که به موجب قوانین و مقررات باید رعایت شود نکات زیر را در اجاره‌نامه تصریح بنمایند:

۱. شغل موجر و مستأجر و اقامتگاه موجر بطور کامل و مشخص.
۲. نشانی کامل مورد اجاره و قید اینکه از لحاظ رابطه اجاره این محل اقامتگاه قانونی مستأجر می‌باشد مگر اینکه طرفین به ترتیب دیگری تراضی نموده باشند.
۳. عین مستأجره در تصرف کدام یک از طرفین می‌باشد و در صورتی که در تصرف مستأجر نیست تحویل آن در چه مدت و با چه شرایطی صورت خواهد گرفت.
۴. مهلت مستأجر برای پرداخت اجاره‌بها منتهی ده روز از تاریخ سررسید هر قسط خواهد بود، مگر اینکه طرفین به ترتیب دیگری زائد بر این مدت توافق کرده باشند که در این صورت ترتیب مذکور باید در سند قید گردد.
۵. اجاره به منظور سکنی یا کسب یا پیشه یا تجارت با تعیین نوع کسب و پیشه و تجارت و هرگاه به منظور دیگری باشد قید آن به طور صریح.

۶. مستأجر حق انتقال به غیر را کلاً یا جزئاً یا به نحو اشاعه دارد یا خیر.
۷. تعهد مستأجر به پرداخت اجرت‌المثل پس از انقضای مدت و یا فسخ اجاره تا موقع تجدید اجاره یا تخلیه ملک به میزان اجرت‌المسمی.

❖ فصل چهارم: موارد فسخ اجاره و تخلیه عین مستأجره

- ماده ۱۲ - در موارد زیر مستأجر می تواند صدور حکم به فسخ اجاره را از دادگاه درخواست کند:
۱. در صورتی که عین مستأجره با اوصافی که در اجاره‌نامه قید شده منطبق نباشد. (با رعایت ماده ۴۱۵ قانون مدنی)
 ۲. اگر در اثنای مدت اجاره عیبی در عین مستأجره حادث شود که آن را از قابلیت انتفاع خارج نموده و رفع عیب مقدور نباشد.
 ۳. در مواردی که مطابق شرایط اجاره حق فسخ مستأجر تحقق یابد.
 ۴. در صورت فوت مستأجر در اثناء مدت اجاره و درخواست فسخ اجاره از طرف کلیه ورثه.
 ۵. هرگاه مورد اجاره کلاً یا جزئاً در معرض خرابی بوده و قابل تعمیر نباشد و یا برای بهداشت و سلامت مضر بوده و باید خراب شود.

نکته ۱: ماده ۱۲ ق.ر.م.م. سال ۵۶ موارد فسخ توسط مستأجر را ذکر می کند در حالی که ماده ۱۴ ق.ر.م.م. سال ۵۶ گویای مواردی است که موجر حق فسخ دارد.

نکته ۲: بند ۲ ماده ۱۲ ق.ر.م.م. سال ۵۶ به مستأجر حق فسخ می دهد در حالی که طبق ماده ۴۸۱ ق.م. مدنی عقد اجاره باطل می شود.

نکته ۳: طبق ماده ۴۹۷ ق.م. عقد اجاره اصولاً به واسطه فوت مستأجر یا موجر باطل نمی گردد در حالی که بند ۵ ماده ۱۴ ق.ر.م.م. ۵۶ در صورت فوت مستأجر در اثناء مدت به وراثت او حق فسخ می دهد البته اگر این درخواست از طرف کلیه ورثه باشد.

- ماده ۱۳ - هرگاه مستأجر به علت انقضای مدت اجاره یا در مواردی که به تقاضای او حکم فسخ اجاره صادر شده مورد اجاره را تخلیه کند و موجر از تحویل گرفتن آن امتناع کند مستأجر مکلف است به وسیله اظهارنامه از موجر یا نماینده قانونی او تقاضا کند که برای تحویل مورد اجاره حاضر شود. در صورتی که موجر ظرف پنج روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه حاضر نگردد مستأجر باید به دادگاه محل وقوع ملک مراجعه و تخلیه کامل مورد اجاره را تأمین دلیل نماید و کلید آن را به دفتر دادگاه تسلیم کند. از این تاریخ رابطه استیجاری قطع می شود و دفتر دادگاه ظرف ۲۴ ساعت به موجر یا نماینده قانونی او اخطار می‌کند که برای تحویل گرفتن مورد اجاره و دریافت کلید حاضر شود. تا زمانی که مستأجر به ترتیب فوق عمل نکرده باشد تعهدات او به موجب مقررات این قانون و شرایط اجاره‌نامه برقرار است.
- ماده ۱۴ - در موارد زیر موجر می تواند حسب مورد صدور حکم فسخ اجاره یا تخلیه را از دادگاه درخواست کند دادگاه ضمن حکم فسخ اجاره دستور تخلیه مورد اجاره را صادر می‌نماید و این حکم علیه مستأجر یا متصرف اجرا و محل تخلیه خواهد شد.

نکته ۱: طبق بند ۳ ماده ۱۴ ق.ر.م.ق. حق فسخ، مشروط بر این است که خریدار یا بستگان درجه یک او بخواهند در آن ملک سکونت نمایند در حالی که طبق ماده ۴۹۸ ق.م.چنین شرطی وجود ندارد.

نکته ۲: بند ۶ ماده ۱۴ ق.ر.م.ق.م.عم از این است که منع مستاجر ممکن باشد یا نباشد در حالی که طبق ماده ۴۹۲ ق.م.اگر منع مستاجر ممکن نباشد موجد حق فسخ دارد.

نکته ۳: طبق بند ۷ ماده ۱۴ ق.ر.م.ق.م.تغییر شغل ممکن نیست، مگر اینکه شغل جدید، عرفاً مشابه شغل پیشین باشد در حالی که طبق ماده ۴۹۱ ق.م.می تواند استفاده منفعتی کند که از حیث ضرر مساوی یا کمتر از منفعت معینه باشد.

نکته ۴: بند ۸ ماده ۱۴ ق.ر.م.ق.م.عم از این است که موجد قادر بر منع مستاجر باشد یا نباشد اما طبق ماده ۴۸۷ ق.م.موجد چنانچه قادر بر منع مستاجر نباشد حق فسخ دارد.

نکته ۵: اگر شرکتی مستاجر باشد و منافع را بدون داشتن حق انتقال به غیر به مدیران یا یکی از سهامداران منتقل کند این انتقال، انتقال به غیر است و به موجد حق درخواست فسخ و یا تخلیه را طبق بند ۲ ماده ۱۴ می دهد زیرا شرکت تجاری شخصیت حقوقی مستقل از مدیران و سهامداران دارد. (رای وحدت رویه به شماره ۴۲ مورخ ۱۳۵۱/۸/۲)

۱. در موردی که مستاجر مسکن بدون داشتن حق انتقال به غیر در اجاره نامه و یا موردی که اجاره نامه ای در بین نباشد مورد اجاره را کلاً یا جزئاً به هر صورتی که باشد به غیر واگذار نموده یا عملاً از طریق وکالت یا نمایندگی و غیره در اختیار و استفاده دیگری جز اشخاص تحت الکفاله قانونی خود قرار داده باشد.
۲. در موردی که عین مستآجره به منظور کسب یا پیشه و یا تجارت خود مستآجره اجاره داده شده و مستآجر آن را به عناوینی از قبیل وکالت یا نمایندگی و غیره عملاً به غیر واگذار کند بدون اینکه طبق ماده ۱۹ این قانون با مستآجر لاحق اجاره نامه تنظیم شده باشد.
۳. در صورتی که در اجاره نامه محل سکنی حق فسخ اجاره هنگام انتقال قطعی شرط شده باشد مشروط به اینکه خریدار بخواهد شخصاً در مورد اجاره سکونت نماید و یا آن را برای سکونت اولاد یا پدر یا مادر یا همسر خود تخصیص دهد. در این صورت اگر خریدار تا سه ماه از تاریخ انتقال ملک برای تخلیه مراجعه ننماید درخواست تخلیه به این علت تا انقضای مدت اجاره پذیرفته نمی شود.
۴. در صورتی که مورد اجاره محل سکنی بوده و مالک پس از انقضای مدت اجاره احتیاج به مورد اجاره برای سکونت خود یا اشخاص مذکور در بند فوق داشته باشد.
۵. هرگاه مورد اجاره محل سکنی در معرض خرابی بوده و قابل تعمیر نباشد.
۶. در صورتی که از مورد اجاره محل سکنی برخلاف منظوری که در اجاره نامه قید شده استفاده گردد.
۷. در مورد محل کسب و پیشه و تجارت هرگاه مورد اجاره برای شغل معینی اجاره داده شده و مستآجر بدون رضای موجد شغل خود را تغییر دهد مگر اینکه شغل جدید عرفاً مشابه شغل سابق باشد.
۸. در صورتی که مستآجر در مورد اجاره تعدی یا تفریط کرده باشد.
۹. در صورتی که مستآجر در مهلت مقرر در ماده ۶ این قانون از پرداخت مال الاجاره یا اجرت المثل خودداری نموده و با ابلاغ اخطار دفترخانه تنظیم کننده سند اجاره یا اظهارنامه (در موردی که اجاره نامه عادی بوده یا اجاره نامه ای در بین نباشد) ظرف ده روز قسط یا اقساط عقب افتاده را نپردازد. در این مورد اگر اجاره نامه رسمی باشد موجد می تواند از دفترخانه یا اجرای ثبت صدور اجرائیه بر تخلیه و وصول اجاره بها را درخواست نماید.

هرگاه پس از صدور اجرائیه مستأجر اجاره‌بهای عقب افتاده را تودیع کند اجرای ثبت تخلیه را متوقف می‌کند ولی موجر می‌تواند به استناد تخلف مستأجر از پرداخت اجاره‌بها از دادگاه درخواست تخلیه عین مستأجره را بنماید.

هرگاه اجاره‌نامه عادی بوده یا سند اجاره تنظیم نشده باشد موجر می‌تواند برای تخلیه عین مستأجره و وصول اجاره‌بها به دادگاه مراجعه کند.

در موارد فوق هرگاه مستأجر قبل از صدور حکم دادگاه اضافه بر اجاره‌بهای معوقه صدی بیست آن را به نفع موجر در صندوق دادگستری تودیع نماید حکم به تخلیه صادر نمی‌شود و مستأجر به پرداخت خسارت دادرسی محکوم و مبلغ تودیع شده نیز به موجر پرداخت می‌گردد، ولی هر مستأجر فقط یکبار می‌تواند از این ارفاق استفاده کند، حکم دادگاه در موارد مذکور در این بند قطعی است.

تبصره ۱ - در صورتی که مستأجر دوبار ظرف یکسال در اثر اخطار یا اظهارنامه مذکور در بند ۹ این ماده اقدام به پرداخت اجاره‌بها کرده باشد و برای بار سوم اجاره‌بها را در موعد مقرر به موجر نپردازد و یا در صندوق ثبت تودیع نماید موجر می‌تواند با تقدیم دادخواست مستقیماً از دادگاه درخواست تخلیه عین مستأجر را بنماید. حکم دادگاه در این مورد قطعی است.

تبصره ۲ - در صورتی که مورد اجاره به منظوری غیر از کسب یا پیشه یا تجارت اجاره داده شود از هر حیث تابع مقررات مربوط به اجاره محل سکونی خواهد بود.

تبصره ۳ - در مورد بند شش این ماده اگر مستأجر مرکز فساد که قانوناً دایر کردن آن ممنوع است در مورد اجاره دایر نماید. دادستان علاوه بر انجام وظایف قانونی خود به محض صدور کیفرخواست به درخواست موجر مورد اجاره را در اختیار موجر قرار می‌دهد.

تبصره ۴ - در صورتی که مستأجر محل سکونی در شهر محل سکونت خود مالک یک واحد مسکونی باشد موجر حق دارد پس از انقضای مدت اجاره تقاضای تخلیه مورد اجاره را بنماید.

نکته:

موارد امکان تخلیه:

علل مربوط به مستأجر:

۱. واگذاری مورد اجاره از سوی مستأجر به دیگری بدون اذن موجر:

نکته: اگر مستأجر به موجب اجاره نامه حق انتقال به غیر را داشت، چنین انتقالی میسر بوده و نیازی به اذن موجر نمی‌باشد. لذا انتقال در این فرض به موجر حق تقاضای تخلیه نمی‌داد.

۲. تغییر شغل: بدین معنا که اگر ملک برای شغل معینی اجاره داده می‌شد و مستأجر بدون اذن موجر تغییر شغل می‌داد، موجر حق تقاضای تخلیه داشت. مگر این که شغل جدید عرفاً مشابه شغل سابق باشد.

۳. تعدی و تفریط مستأجر

۴. عدم پرداخت اجاره بها: این حالت در صورتی موجب تخلیه ملک می‌گردد که مستأجر ظرف مهلت مقرر اجاره بها را پرداخت ننماید و موجر با ارسال اظهارنامه در مورد اجاره نامه‌های عادی یا از طریق اخطاریه دفتر اسناد رسمی در مورد اجاره نامه‌های رسمی، اجاره بها را مطالبه نماید، با این وجود مستأجر از پرداخت اجاره بها کماکان خودداری کند.

در همین مورد چنان چه موجر دعوی تخلیه اقامه می‌کرد و مستأجر تا قبل از صدور حکم مبلغ اجاره بها را به علاوه ۲۰ درصد به حساب صندوق دادگستری واریز می‌نمود دادگاه از صدور حکم تخلیه خودداری می‌کرد. البته استفاده از این ارفاق تنها برای یک مرتبه میسر بود.

ماده ۱۵ - علاوه بر موارد مذکور در ماده قبل در موارد زیر نیز **پس از انقضای مدت اجاره درخواست تخلیه محل کسب یا پیشه یا تجارت از دادگاه جایز است:**

۱. تخلیه به منظور احداث ساختمان جدید مشروط بر اینکه پروانه ساختمانی یا گواهی شهرداری مربوط ارائه شود. و شهرداریها مکلفند در صورت مراجعه مالک با رعایت مقررات مربوط پروانه ساختمان و یا گواهی مورد نظر را صادر و به مالک تسلیم نمایند.

۲. تخلیه به منظور احتیاج شخص موجر برای کسب یا پیشه یا تجارت.

۳. در صورتی که محل کسب یا پیشه یا تجارت مناسب برای سکنی هم باشد و مالک برای سکونت خود یا اولاد یا پدر یا مادر یا همسر خود درخواست تخلیه نماید.

در موارد سه‌گانه فوق دادگاه ضمن صدور حکم تخلیه به پرداخت حق کسب یا پیشه یا تجارت نیز حکم خواهد داد.

نکته:

موارد امکان تخلیه:

علل مربوط به موجر:

۱. تخلیه به منظور احداث ساختمان جدید:

در این حالت موجر بایستی پروانه ساختمانی یا گواهی شهرداری را ارائه نماید. که با ارائه پروانه ساختمانی و به تقاضای موجر حکم تخلیه صادر می‌شد. لکن پیش بینی شده بود که اگر ظرف ۶ ماه از تخلیه شروع به ساختمان نکند، به درخواست مستأجر سابق به پرداخت مبلغ معادل یک سال اجاره بها در حق مستأجر محکوم می‌گردد. البته اگر تأخیر در ساخت و ساز ناشی از حوادث قهری تلقی می‌شد موجر از پرداخت این مبلغ معاف می‌گردد.

۲. تخلیه به منظور احتیاج شخص موجر برای کسب و پیشه:

به این معنا که اگر موجر ثابت می‌کرد برای اشتغال به کسب و پیشه به عین مستأجره شخصاً نیاز دارد و البته این نیاز ثابت می‌گردد، دادگاه حکم تخلیه را صادر می‌نمود. با این وجود اگر پس از تخلیه تا یک سال از ملک استفاده شخصی نکرده بود، باز هم مستأجر حق مطالبه مبلغ فوق‌الذکر را داشت.

نکته: در خواست تخلیه به لحاظ نیازهای شخصی موجر، صرفاً پس از پایان مدت اجاره ممکن است و در این گونه موارد، تخلیه صورت نخواهد گرفت مگر آن که حق کسب و پیشه به طور کامل به مستأجر پرداخت شده باشد (حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ حکم قطعی)

۳. تخلیه به منظور سکونت خود، همسر، اولاد یا پدر و مادر:

اگر ملک مورد اجاره برای سکونت مناسب بود و موجر ثابت می‌کرد برای سکونت خود، همسر، فرزندان یا پدر و مادر نیاز به این ملک دارد به تقاضای وی حکم تخلیه صادر می‌شد. در این مورد نیز اگر پس از تخلیه موجر لااقل به مدت یک سال برای سکونت مورد ادعا از ملک استفاده نکرده باشد به درخواست مستأجر به پرداخت معادل یک سال اجاره بها محکوم می‌گردد.

ماده ۱۶ - در موارد مذکور در ماده قبل و همچنین در موارد مذکور در بند ۳ و ۴ ماده ۱۴ هرگاه مالک حسب مورد تا شش ماه از تاریخ تخلیه شروع به ساختمان نکند یا حداقل مدت یک سال از محل مورد اجاره به نحوی که ادعا کرده استفاده ننماید به درخواست مستأجر سابق بپرداخت مبلغی معادل یک سال اجاره بها یا اجرت‌المثل مورد اجاره در حق او محکوم خواهد شد مگر آنکه ثابت شود تأخیر شروع ساختمان یا عدم استفاده از مورد اجاره در اثر قوه قاهره یا مبتنی بر علل و جهاتی خارج از اراده مالک بوده است.

تبصره - در صورتی که در ملک مورد تخلیه مستأجرین متعددی باشند و موجر تقاضای تخلیه سایر قسمت‌ها را نیز نموده باشد مهلت فوق از تاریخ تخلیه آخرین قسمت شروع خواهد شد.

ماده ۱۷ - در تمام مواردی که تخلیه عین مستأجره در نتیجه اجرای حکم یا به ترتیب مقرر در ماده ۱۳ صورت می‌گیرد باید از طرف دادگاه به دفترخانه تنظیم کننده سند اجاره اعلام شود تا در ستون ملاحظات ثبت اجاره قید گردد.

❖ فصل پنجم: حق کسب یا پیشه یا تجارت

ماده ۱۸ - میزان حق کسب یا پیشه یا تجارت که در این قانون و قوانین دیگر قید شده است بر مبنای اصول و ضوابطی که آئین‌نامه آن از طرف وزارتخانه دادگستری و مسکن و شهرسازی تهیه و به تصویب کمیسیونهای مربوط مجلسین خواهد رسید، تعیین می‌گردد.

ماده ۱۹ - در صورتی که مستأجر محل کسب یا پیشه یا تجارت به موجب اجاره‌نامه، حق انتقال به غیر داشته باشد می‌تواند برای همان شغل یا مشابه آن منافع مورد اجاره را با سند رسمی به دیگری انتقال دهد.

هرگاه در اجاره‌نامه حق انتقال به غیر سلب شده یا اجاره‌نامه‌ای در بین نبوده و مالک راضی به انتقال به غیر نباشد باید در مقابل تخلیه مورد اجاره، حق کسب یا پیشه یا تجارت مستأجر را بپردازد و الا مستأجر می‌تواند برای تنظیم سند انتقال به دادگاه مراجعه کند، در این صورت دادگاه حکم به تجویز انتقال منافع مورد اجاره به غیر و تنظیم سند انتقال در دفترخانه تنظیم‌کننده سند اجاره‌نامه سابق یا دفترخانه نزدیک ملک (اگر اجاره‌نامه رسمی در بین نباشد) صادر و رونوشت آن را به دفترخانه مربوط ارسال می‌نماید و مراتب را به موجر نیز اعلام خواهد نمود، مستأجر جدید از هر حیث نسبت به تمام شرایط اجاره قائم مقام مستأجر سابق خواهد بود.

هرگاه ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ حکم قطعی منافع مورد اجاره با سند رسمی به مستأجر جدید انتقال داده نشود حکم مزبور ملغی‌الاثرب خواهد بود.

تبصره ۱ - در صورتی که مستأجر بدون رعایت مقررات این ماده مورد اجاره را به دیگری واگذار نماید موجر حق درخواست تخلیه را خواهد داشت و حکم تخلیه علیه متصرف یا مستأجر اجرا خواهد شد. و در این مورد مستأجر یا متصرف حسب مورد استحقاق دریافت نصف حق کسب یا پیشه یا تجارت را خواهد داشت.

تبصره ۲ - حق کسب یا پیشه یا تجارت به مستأجر همان محل اختصاص دارد و انتقال آن به مستأجر جدید فقط با تنظیم سند رسمی معتبر خواهد بود.

نکته:

در قانون ۵۶ حقی برای مستأجر تحت عنوان حق کسب و پیشه و تجارت مقرر گردید، در ارتباط با این حق نکات زیر قابل توجه است:

۱ - حق کسب، پیشه و تجارت فقط در اجاره اماکن تجاری ایجاد می شود یعنی در اجاره محل های مسکونی مستأجر چنین حقی نداشت.

۲ - این حق به حکم قانون برای مستأجر ایجاد می شد اعم از این که در ابتدای اجاره مستأجر مبلغی به عنوان سرقفلی به مالک داده یا نداده باشد.

۳ - در اجاره محل برای احداث دفتر وکالت یا مطب پزشک از آن جا که مراجعه اشخاص به پزشک یا وکیل برحسب توانایی و شایستگی خود شخص است و ارتباطی به محل کار او ندارد حق کسب و پیشه و تجارت ایجاد نمی شد.

۴ - اگر شخصی يك ملك تجاری را برای اشتغال به کسب و پیشه مدتی اجاره می کرد. اصولاً در زمان تخلیه این حق را داشت که مبلغی به عنوان حق کسب و پیشه دریافت نماید. میزان حق کسب و پیشه توسط دادگاه و با ارجاع امر به کارشناس تعیین می گردید. کارشناسان در تعیین میزان این حق الزحمه عواملی نظیر، موقعیت محل، مساحت و کیفیت بنا، نوع شغل مستأجر در محل، طول مدت اشتغال مستأجر در محل و ... را لحاظ می نمودند.

۵ - اگر تقاضای تخلیه به یکی از علل مربوط به شخص موجه بود، در این صورت موجه مکلف می شد، که حداکثر ظرف ۳ ماه از تاریخ صدور حکم قطعی تمام حق کسب و پیشه را پرداخت نماید، در غیر این صورت حکم تخلیه ملغی می گردید.

۶ - چنان چه تقاضای تخلیه به علت یکی از تخلفات مستأجر مطرح می گردید، در این صورت اصولاً مستأجر مستحق دریافت حق کسب و پیشه و تجارت نبود مگر در مورد واگذاری به غیر که در این مورد استحقاق دریافت نصف حق کسب و پیشه را داشت.

۷ - تقاضای تخلیه به استناد نیاز های شخصی موجه در صورتی میسر بود که مدت اجاره تمام شده باشد. با این وجود در فرض تقاضای تخلیه به استناد تخلفات مستأجر با اثبات وقوع تخلف، حکم تخلیه صادر می گردید اعم از این که مدت اجاره باقی باشد یا تمام شده باشد. در فرض تخلف مستأجر، اگر مدت اجاره هنوز باقی باشد موجه بایستی دادخواست فسخ اجاره و تخلیه بدهد. اما چنان چه مدت تمام شده باشد دادخواست تخلیه کافی است و نیازی به ادعای فسخ نمی باشد.

۸ - مقررات قانون ۵۶ و به ویژه مواد مربوط به حق کسب و پیشه جنبه آمره دارند و هر گونه توافقی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در پی بی اثر کردن این توافقات باشد باطل و بی اعتبار خواهد بود. مثلاً در ضمن اجاره شرط می شد که مستأجر در زمان تخلیه حق کسب و پیشه ندارد، چنین شرطی باطل بود و مستأجر می توانست به هنگام تخلیه حق کسب و پیشه را مطالبه نماید.

❖ فصل ششم: تعمیرات

ماده ۲۰ - تعمیرات کلی و اساسی مورد اجاره که مربوط به اصل بنا یا تأسیسات عمده منصوبه در آن از قبیل دستگاههای حرارت مرکزی و تهویه و آسانسور باشد به عهده موجر است و تعمیرات جزئی و همچنین تزئین و تعمیری که مربوط به استفاده بهتر از مورد اجاره باشد با مستأجر خواهد بود.

ماده ۲۱ - رسیدگی به اختلاف بین موجر و مستأجر راجع به تعمیرات با دادگاه است در صورتی که موجر تعمیرات کلی مورد حکم دادگاه را در مهلتی که از طرف دادگاه تعیین می شود انجام ندهد مستأجر می تواند برای فسخ اجاره به دادگاه مراجعه کند یا از دادگاه درخواست کند به او اجازه داده شود تعمیرات مزبور را با نظارت دایره اجرا انجام داده مخارج آن را حداکثر تا معادل شش ماه اجاره بها به حساب موجر بگذارد.

ماده ۲۲ - هرگاه مستأجر مانع مالک از انجام تعمیرات ضروری شود دادگاه مستأجر را به رفع ممانعت ملزم و مهلت مناسبی برای انجام تعمیرات تعیین می نماید.

در صورت ادامه ممانعت دادگاه می تواند حکم به تخلیه موقت بنا برای مدت مذکور بدهد. در هر حال مستأجر مسئول خسارتی است که در نتیجه ممانعت از تعمیر بنا حاصل شده باشد.

تبصره - رسیدگی به دعوی مذکور در مادتهای ۲۱ و ۲۲ خارج از نوبت و بدون رعایت تشریفات دادرسی صورت خواهد گرفت و حکم دادگاه قطعی است.

ماده ۲۳ - اقامه دعوی تخلیه از طرف موجر مانع رسیدگی به دعوی تعمیرات نیست هرگاه دادگاه حکم به تخلیه مورد اجاره صادر نموده باشد و حکم مزبور قطعی نباشد حکم الزام به تعمیر در صورت فسخ حکم تخلیه به ترتیب مقرر در ماده ۲۱ قابل اجرا خواهد بود.

ماده ۲۴ - در صورتی که مستأجر در مورد اجاره حق استفاده از انشعاب آب یا برق یا تلفن یا گاز یا تأسیسات حرارت مرکزی یا تهویه یا آسانسور و امثال آن داشته باشد موجر نمی تواند جز در مورد تعمیرات ضروری آن را قطع یا موجبات قطع آن را فراهم نماید مگر اینکه مستأجر بهای مصرف خود را طبق شرایط اجاره نپرداخته باشد.

در صورت تخلف، دادگاه به درخواست مستأجر فوراً بدون رعایت تشریفات دادرسی موضوع را مورد رسیدگی قرار داده عندالافتضاء ترتیب وصل آن را خواهد داد. دستور دادگاه بلافاصله قابل اجرا است. موجر می تواند ظرف دهر روز از تاریخ ابلاغ دستور دادگاه به آن اعتراض کند. اعتراض در همان دادگاه رسیدگی می شود و تصمیم دادگاه قطعی است.

تبصره ۱ - هرگاه علت قطع جریان برق یا آب یا تلفن و غیره، بدهی موجر به سازمانهای مربوط بوده و اتصال مجدد مستلزم پرداخت بدهی مزبور باشد و مستأجر می تواند بر اساس قبوض سازمانهای مربوط وجوه مذکور را بپردازد و از اولین اجاره بها کسر نماید.

تبصره ۲ - تعمیرات تأسیسات و قسمتهای مشترک آپارتمانهای مشمول قانون تملک آپارتمانها تابع مقررات مربوط به خود خواهد بود.

ماده ۲۵ - هرگاه مالک قصد فروش ملک خود را داشته یا بخواهد وضع ملک را از جهت امکان وجود خرابی یا کسر و نقصان در آن، مشاهده نماید و متصرف ملک مانع از رؤیت خریدار یا مالک گردد، مالک یا نماینده قانونی او می تواند برای رفع ممانعت به دادستان یا دادرس دادگاه بخش مستقل محل وقوع ملک مراجعه کند. دادستان یا دادرس دادگاه حسب مورد به مأمورین شهربانی یا ژاندارمری و یا مأمورین اجرا دستور می دهد تا خریدار و مالک به معیت مأمورین ملک را رؤیت نمایند. تشخیص ضرورت امر در حدود متعارف با مقام صادرکننده دستور است.

ماده ۲۶ - رسیدگی به کلیه دعوی موضوع این قانون در دادگاه شهرستان و در نقاطی که دادگاه شهرستان نباشد در دادگاه بخش مستقل به عمل می آید. مگر دعوی راجع به دولت که منحصراً در دادگاه شهرستان رسیدگی می شود حکم دادگاه در هر صورت حضوری محسوب و فقط قابل پژوهش است، مگر در مواردی که

خلاف آن مقرر شده باشد رسيدگى به دعاوى مربوط به اتافهائى استيجارى كمالكان در صلاحيت شورائى داورى است.

تبصره - در موردى كه ميزان خواسته در تقاضائى تعيين اجاره بهائى ماهانه زايد بر چهار هزار ريال نباشد حكم دادگاه قطعى است.

ماده ۲۷ - در مواردى كه حكم تخليه صادر مى شود دادگاه ضمن صدور حكم مهلتى كه از ده روز کمتر و از دو ماه پيشتر نباشد براى تخليه تعيين مى نمايد.

حكم تخليه مدارسى كه با اجازه رسمى مقامات صلاحيتدار تأسيس شده در تعطيلات تابستان اجرا خواهد شد. تبصره ۱ - در مواردى كه حكم تخليه با پرداخت حق كسب يا پيشه يا تجارت صادر مى شود مهلتهاى مذكور در اين ماده از تاريخ توديع يا پرداخت وجه مزبور شروع خواهد شد.

تبصره ۲ - در مواردى كه حكم تخليه به علت عدم پرداخت اجاره بها صادر مى شود حداكثر مهلت ۱۵ روز خواهد بود.

ماده ۲۸ - در مواردى كه حكم تخليه عين مستأجره با پرداخت حق كسب يا پيشه يا تجارت صادر و قطعى مى شود موجر مكلف است ظرف سه ماه از تاريخ ابلاغ حكم قطعى وجه معينه را در صندوق دادگستري توديع يا ترتيب پرداخت آن را به مستأجر بدهد و الا حكم مزبور ملغى الاثر خواهد بود مگر اينكه طرفين به مدت بيشترى توافق کرده باشند. در ساير موارد نيز هرگاه موجر ظرف يكسال از تاريخ ابلاغ حكم قطعى تقاضائى صدور اجرائيه نمايد حكم صادر شده ملغى الاثر است مگر اينكه بين موجر و مستأجر براى تأخير تخليه توافق شده باشد.

تبصره - مدتهاى مذكور در ماده فوق نسبت به احكامى كه در زمان اجراى قانون روابط مالك و مستأجر مصوب ۱۳۳۹ صادر و قطعى گرديده از تاريخ اجراى اين قانون شروع مى شود.

ماده ۲۹ - وزارت دادگستري از بين كارشناسان رسمى عدهائى رابه منظور اجراى اين قانون حداكثر براى دو سال انتخاب و به دادگاهها معرفى مى نمايد و تا زمانى كه تجديد انتخاب به عمل نيامده دادگاهها از كارشناسان مزبور استفاده خواهند كرد.

طرز تعيين و شرايط انتخاب و ميزان حق الزحمه كارشناسان به موجب آيين نامه وزارت دادگستري است. در نقاطى كه وزارت دادگستري كارشناس معرفى نمايد طبق مقررات عمومى مربوط به كارشناسى عمل خواهد شد.

ماده ۳۰ - كليه طرق مستقيم يا غير مستقيم كه طرفين به منظور جلوگيرى از اجراى مقررات اين قانون اتخاذ نمايند پس از اثبات در دادگاه بلااثر و باطل اعلام خواهد شد.

نکته:

مقررات قانون ۵۶ آمره بوده و هر گونه قراردادي براي واگذاري منافع املاك تجاري اعم از اين كه در قالب اجاره يا صلح منافع يا ... تا قبل از تصويب قانون ۷۶ منعقد شده باشد، تابع قانون ۵۶ است و هر گونه توافق بين طرفين به طور مستقيم يا غير مستقيم با هدف جلوگيري از اجراى مقررات اين قانون منعقد شده باشد، باطل و بلااثر است.

اين قانون هر گونه راه فرار از حكومت قانون ۵۶ را مي بست و به صراحت بيان نموده بود كه حتي اگر طرفين اسم قرارداد را اجاره تعيين نكنند و تحت عناوين ديگر قرارداد اجاره منعقد كنند باز مقررات قانون ۵۶ حاكم خواهد بود. و در ماه ۳۰ همين قانون هر توافقي را كه باعث شود تا قانون ۵۶ اجرا نشود باطل مي دانست

ماده ۳۱ - این قانون در نقاطی اجرا می شود که تاکنون قانون روابط مالک و مستأجر مصوب خرداد ۱۳۳۹ در آن نقاط به مرحله اجرا گذاشته شده یا وزارت دادگستری با جلب نظر وزارت مسکن و شهرسازی و لزوم اجرای آن را آگهی نماید در سایر نقاط رابطه موجر و مستأجر براساس قوانین و مقررات عمومی خواهد بود.

ماده ۳۲ - از تاریخ اجرای این قانون، قانون روابط مالک و مستأجر مصوب سال ۱۳۳۹ و سایر قوانین و مقرراتی که مغایر با این قانون است لغو می شود.

قانون فوق مشتمل بر سی و دو ماده و هفده تبصره پس از تصویب مجلس سنا در جلسه فوق العاده روز چهارشنبه ۱۳۵۶/۴/۲۲، در جلسه فوق العاده روز یکشنبه دوم مرداد ماه ۱۳۵۶ به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

سؤالات قانون روابط مؤجر و مستأجر

۱- هرگاه در عقد مزارعه زمین موضوع قرارداد به صورت موقت از قابلیت انتفاع خارج شود عقد مزارعه چه وضعیتی پیدا می کند؟ (وکالت ۹۹)

۱) منفسخ نمی شود

۲) منفسخ می شود

۳) طبق مقررات باب مزارعه برای عامل حق فسخ ایجاد می شود

۴) طبق مقررات باب مزارعه برای مزارع حق فسخ ایجاد می شود.

✓ گزینه ۳ صحیح است. با استناد به مواد ۱۹ و ۳۰ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶.

۲- اگر عین مستأجره در مدت اجاره نیاز به تعمیرات داشته باشد و به مالک دسترسی نباشد، تکلیف چیست؟ (وکالت ۸۷)

۱) فقط تا حدی که برای انتفاع ضروری باشد مستأجر می تواند تعمیر نماید و هزینه آن را از مالک مطالبه کند.

۲) مستأجر می تواند تا شش ماه مال الاجاره را صرف تعمیرات کند و از اجاره بها کسر نماید.

۳) مستأجر می تواند آن را تعمیر نموده و هزینه تعمیرات را از مالک مطالبه کند.

۴) مستأجر می تواند عین مستأجره را تعمیر کند، ولی حق مطالبه هزینه تعمیرات را ندارد.

✓ گزینه ۲ صحیح است. طبق م ۲۱ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۵۶

ماده ۲۱ - رسیدگی به اختلاف بین موجر و مستأجر راجع به تعمیرات با دادگاه است در صورتی که موجر تعمیرات کلی مورد حکم دادگاه را در مهلتی که از طرف دادگاه تعیین می شود انجام ندهد مستأجر می تواند برای فسخ اجاره به دادگاه مراجعه کند یا از دادگاه درخواست کند به او اجازه داده شود تعمیرات مزبور را با نظارت دایره اجرا انجام داده مخارج آن را حداکثر تا معادل شش ماه اجاره بها به حساب موجر بگذارد.

۳- مغازه ای در سال ۱۳۷۵ اجاره داده شده است. در اثنای مدت اجاره، مستأجر مرتکب تعدی و تفریط شده است: (وکالت ۸۹)

۱) موجر حق فسخ و تخلیه دارد، بدون آن که حق کسب و پیشه پرداخت کند.

۲) موجر در صورتی حق فسخ دارد که قادر بر منع مستأجر از تعدی و تفریط نباشد.

۳) موجر فقط می تواند از طریق مراجعه به دادگاه از تعدی و تفریط مستأجر جلوگیری کند.

۴) موجر حق فسخ دارد و می تواند با تادیه حق کسب و پیشه و تجارت تخلیه عین مستأجره را از دادگاه بخواهد.

✓ گزینه ۱ صحیح است. مطابق بند ۸ م ۱۴ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۵۶:

ماده ۱۴ - در موارد زیر موجر می تواند حسب مورد صدور حکم فسخ اجاره یا تخلیه را از دادگاه درخواست کند دادگاه ضمن حکم فسخ اجاره دستور تخلیه مورد اجاره را صادر می نماید و این حکم علیه مستأجر یا متصرف اجرا و محل تخلیه خواهد شد:

۸. در صورتی که مستأجر در مورد اجاره تعدی یا تفریط کرده باشد.

۴- یک شرکت تجاری، یک آپارتمان مسکونی واقع در شهر تهران را در سال ۱۳۷۵ برای فروش محصولات شرکت به مدت یک سال اجاره نموده و سپس مورد اجاره را به مدیر عامل این شرکت اجاره می دهد. کدام مورد، صحیح است؟ (وکالت ۹۳)

۱) بدون پرداخت حق کسب و پیشه و تجارت، حق تخلیه آن را دارد.

۲) اساساً انتقال به غیر واقع نشده است .

۳) موجر با پرداخت نصف حق کسب و پیشه و تجارت، حق تخلیه ملک را دارد.

۴) به جهت مسکونی بودن مورد اجاره، موضوع تابع قانون مدنی است.

✓ گزینه ۳ صحیح است.

ماده ۱۴ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶

بررسی چند نکته در قانون ۵۶:

در قانون ۵۶ حقی برای مستأجر تحت عنوان حق کسب و پیشه و تجارت مقرر گردید، در ارتباط با این حق نکات زیر قابل توجه است:

.....

۶- چنان چه تقاضای تخلیه به علت یکی از تخلفات مستأجر مطرح می گردید، در این صورت اصولاً مستأجر مستحق دریافت حق کسب و پیشه و تجارت نبود مگر در مورد واگذاری به غیر که در این مورد استحقاق دریافت نصف حق کسب و پیشه را داشت.

۵- مغازه ای در سال ۱۳۶۴، برای مدت سه سال به اجاره واگذار شده است. در اجاره نامه شرط شده است که مستأجر شخصاً از مورد اجاره استفاده کند. پس از گذشت دو سال، مستأجر فوت می کند. قرارداد اجاره چه وضعی دارد؟ (وکالت ۹۶)

(۱) با فوت مستأجر، عقد اجاره باطل می شود.

(۲) ادامه رابطه استیجاری با ورثه مستأجر، منوط به تنفیذ موجر است.

(۳) رابطه استیجاری، بدون موافقت موجر، نسبت به ورثه مستأجر استمرار خواهد داشت

(۴) اجاره با فوت مستأجر، منفسخ می شود.

☑ **گزینه ۳ صحیح است.** اگرچه ممکن است به نظر رسد که با لحاظ ماده ۴۹۷ ق.م.گزینه های ۱ و ۴ محمل درستی داشته باشند اما با لحاظ مواد ۷ و ۹ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶، بعد از انقضای مدت اجاره، می بایست قرارداد اجاره تمدید شود و فوت مستأجر از اسباب بطلان اجاره نسبت به مدت باقیمانده یا انفساخ آن به حساب نیامده است و جزء موارد فسخ اجاره و تخلیه عین مستأجره در فصل چهارم این قانون (مواد ۱۲ تا ۱۷) بیان نشده است و از سوی دیگر ماده ۳۰ همین قانون نیز امری بودن قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ را نشان داده و از این رو شرط مباشرت مستأجر که با فوتش موجب بطلان اجاره شود خلاف احکام آمره قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ بوده و شرطی نامشروع و باطل است (بند ۳ ماده ۲۳۲ ق.م.) و لذا می توان گزینه ۳ را با لحاظ مقررات آمره قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ خصوصاً مواد ۷ و ۹ آن، صحیح دانست.

۶- اگر مستأجر محل تجاری مشمول قانون روابط موجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۵۶، در طول مدت اجاره، بدون اذن موجر، تغییر شغل دهد و شغل جدید او، مشابه شغل قبلی نباشد و موجر فوراً مطلع شود و اقدام قضائی نماید، کدام مورد با حقوق موجر انطباق دارد؟ (مرکز قوه قضائیه ۹۹)

(۱) موجر حق فسخ ندارد، ولی می تواند به لحاظ سقوط کامل حق کسب یا پیشه یا تجارت مستأجر، تخلیه ید او را بدون پرداخت وجهی مطالبه کند.

(۲) موجر می تواند عقد اجاره را فسخ نماید و مستأجر با دریافت نیمی از حق کسب یا پیشه یا تجارت، مکلف به تخلیه عین مستأجره است.

(۳) عقد اجاره منفسخ می شود و مستأجر با دریافت نیمی از حق کسب یا پیشه یا تجارت، مکلف به تخلیه عین مستأجره است.

(۴) موجر می تواند عقد اجاره را فسخ نماید و بدون پرداخت وجهی به مستأجر، تخلیه ید او را مطالبه کند.

☑ **گزینه ۴ صحیح است.** با استناد به ماده ۱۴ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ و خصوصاً توجه به بند ۷ این ماده، متن ساده.

- ۷- عقد اجاره مغازه ای در سال ۱۳۶۰ با سند عادی منعقد شده است، در کدام صورت موجر می تواند تخلیه عین مستأجره را تقاضا کند؟ (مرکز ۱۴۰۲)
- ۱) در قرارداد اجاره منعقد شده با سند عادی در سال ۱۳۶۰، به محض انقضای مدت قرارداد، موجر می تواند تخلیه عین مستأجره را بدون پرداخت حق کسب و پیشه از مستأجر بخواهد.
- ۲) به محض عدم پرداخت ۶ ماه اجاره بها، موجر می تواند تخلیه عین مستأجره را با پرداخت نیمی از حق کسب و پیشه از مستأجر بخواهد.
- ۳) در صورت تغییر شغل مقرر در قرارداد از سوی مستأجر، موجر می تواند بدون پرداخت حق کسب و پیشه، تخلیه عین مستأجره را از مستأجر بخواهد.
- ۴) در صورت انتقال قراردادی عین مستأجره توسط مستأجر به غیر، بدون اذن، موجر می تواند تخلیه عین مستأجره را بدون پرداخت حق کسب و پیشه بخواهد.
- گزینه ۳ صحیح است. با استناد به ماده ۱۴ قانون روابط موجر و مستأجر ۵۶

قانون روابط موجر و مستأجر - ۷۶

مصوب ۷۶

❖ فصل اول - روابط موجر و مستأجر

ماده ۱ - از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، اجاره کلیه اماکن اعم از مسکونی، تجاری، محل کسب و پیشه، اماکن آموزشی، خوابگاه های دانشجویی و ساختمان‌های دولتی و نظایر آن که با قرارداد رسمی یا عادی منعقد می شود تابع مقررات قانون مدنی و مقررات مندرج در این قانون و شرایط مقرر بین موجر و مستأجر خواهد بود.

نکته:

اجاره ملك تجاري در صورتی تابع قانون ۷۶ است که عقد اجاره ابتدائاً بعد از سال ۷۶ منعقد شده باشد.
در حال حاضر اجاره اماکن مسکونی تابع قانون ۷۶ است.

ماده ۲ - قراردادهای عادی اجاره باید با قید مدت اجاره در دو نسخه تنظیم شود و به امضای موجر و مستأجر برسد و به وسیله دو نفر افراد مورد اعتماد طرفین به‌عنوان شهود گواهی گردد.

نکته:

اگر اجاره نامه رسمی باشد، تابع قانون ۷۶ خواهد بود اما در مورد اجاره نامه عادی، در صورتی تابع قانون ۷۶ است که در دو نسخه تنظیم شده باشد و به امضای موجر و مستأجر رسیده و حداقل دو نفر به عنوان شاهد آن را امضا کرده باشند. لذا اگر اجاره نامه عادی بوده و فاقد یکی از شرایط مذکور باشد از شمول قانون ۷۶ خارج شده و تابع قانون مدنی و توافق طرفین خواهد بود.

ماده ۳ - پس از انقضای مدت اجاره بنا به تقاضای موجر یا قائم مقام قانونی وی تخلیه عین مستأجره در اجاره با سند رسمی توسط دواير اجرای ثبت ظرف یک هفته و در اجاره با سند عادی ظرف یک هفته پس از تقدیم دادخواست تخلیه به دستور مقام قضایی در مرجع قضایی توسط ضابطین قوه قضاییه انجام خواهد گرفت.

نکته:

با انقضای مدت اجاره و بنا به تقاضای موجر یا قائم مقام وی، تخلیه بایستی حداکثر ظرف یک هفته از تاریخ تقاضا صورت گیرد. در اجاره نامه رسمی دستور تخلیه از سوی دایره ثبت صادر شده و توسط مأمورین این اداره اجرا می‌شود. در مورد اجاره نامه عادی دستور تخلیه از سوی مقام قضایی صادر و توسط ضابطین دادگستری اجرا می‌شود.

نکته:

با توجه به قانون شورای حل اختلاف دعوی تخلیه ملك استیجاری اعم از این که ملك تجاری باشد یا مسکونی، در صلاحیت قاضي شورای حل اختلاف است.

ماده ۴ - در صورتی که موجر مبلغی به عنوان ودیعه یا تضمین یا قرض الحسنه و یا سند تعهدآور مشابه آن از مستأجر دریافت کرده باشد تخلیه و تحویل مورد اجاره به موجر موکول به **استرداد سند یا وجه مذکور به مستأجر و یا سپردن آن به دایره اجراست**. چنانچه موجر مدعی ورود خسارت به عین مستأجره از ناحیه مستأجر و یا عدم پرداخت مال الاجاره یا بدهی بابت قبوض تلفن، آب، برق و گاز مصرفی بوده و متقاضی جبران خسارات وارده و یا پرداخت بدهی‌های فوق از محل وجوه یادشده باشد **موظف است همزمان با تودیع وجه یا سند، گواهی دفتر شعبه دادگاه صالح را مبنی بر تسلیم دادخواست مطالبه ضرر و زیان به میزان مورد ادعا به دایره اجرا تحویل نماید**. در این صورت دایره اجرا از تسلیم وجه یا سند به مستأجر به همان میزان خودداری و پس از صدور رأی دادگاه و کسر مطالبات موجر اقدام به رد آن به مستأجر خواهد کرد.

نکته:

اگر به موجب عقد اجاره مبلغی تحت عنوان ودیعه یا تضمین یا قرض الحسنه، و نظایر این ها از سوی مستأجر به موجر داده شده باشد تخلیه ممکن نخواهد بود مگر با استرداد این مبلغ به مستأجر، اگر مستأجر از دریافت آن خودداری نماید موجر بایستی این مبلغ را نزد دایره اجرا تودیع نماید. سپس اگر مدعی است که طلبی از مستأجر دارد (مثلاً از بابت اجاره بها یا خسارت) همزمان با تودیع وجه، دادخواست خویش را به دادگاه صالح تقدیم نماید. در این صورت وجه مذکور در صندوق اداره ثبت یا دادگستری باقی می‌ماند تا زمانی که نتیجه دعوی موجر مشخص گردد. با صدور رأی دادگاه مبلغ طلب موجر کسر شده و مابقی آن به مستأجر پرداخت می‌گردد.

ماده ۵ - چنانچه مستأجر در مورد مفاد قرارداد ارائه شده از سوی موجر مدعی هرگونه حقی باشد **ضمن اجرای دستور تخلیه شکایت خود را به دادگاه صالح تقدیم و پس از اثبات حق مورد ادعا و نیز جبران خسارات وارده حکم مقتضی صادر می‌شود**.

نکته:

چنان چه مستأجر در مورد قرارداد، ادعای حقی داشته باشد، این امر مانع از تخلیه نخواهد بود. و بایستی دعوای خود را اقامه کرده و چنان چه متعاقباً حکمی به نفع او صادر شود بایستی خسارات وارده بر مستأجر جبران شود.

نکته:

به نظر می‌رسد که م ۵ شامل ادعای جعل نسبت به اجاره نامه نمی‌شود یعنی اگر در دعوای تخلیه مستأجر مدعی جعل در سند اجاره گردد. م ۵ اجرا نمی‌شود و قبل از صدور حکم تخلیه بایستی نسبت به ادعای جعل رسیدگی شده و تکلیف آن تعیین گردد.

❖ فصل دوم - سرقتی

ماده ۶ - هرگاه مالک، ملک تجاری خود را به اجاره واگذار نماید، می‌تواند مبلغی را تحت عنوان سرقتی از مستأجر دریافت نماید. همچنین مستأجر می‌تواند در اثناء مدت اجاره برای واگذاری حق خود مبلغی را از موجر یا مستأجر دیگر به عنوان سرقتی دریافت کند، مگر آن‌که در ضمن عقد اجاره حق انتقال به غیر از وی سلب شده باشد.